

فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال یازدهم، شماره اول (پیاپی ۳۹)، بهار ۱۴۰۱

شاپای چاپی ۲۱۳۱-۲۳۲۲ شاپای الکترونیکی ۴۷۶X-۲۵۸۸

<http://serd.khu.ac.ir>

مقاله پژوهشی

صفحات ۱۴۲-۱۱۳

عوامل مؤثر بر بازآرایی الگوی مدیریت خدمات روستایی با تأکید بر مؤلفه‌های اقتصادی مورد: استان قزوین

قدیر فیروزنیا؛ دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
اسمعیل زیارتی‌نصرآبادی*؛ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
مصطفی طالشی؛ استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
علیرضا دربان‌آستانه؛ دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۲/۲۰

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۱۱

چکیده

مدیریت روستایی در ایران پس از طی نمودن فراز و فرودهای بسیار، با تصویب قانون شوراها و شکل‌گیری شوراهای اسلامی در آبادی‌های بالای ۲۰ خانوار و در ادامه با تصویب قانون تأسیس دهیاری‌های خودکفا در روستاهای کشور (۱۴ تیرماه ۱۳۷۷) و استقرار نهاد دهیاری به عنوان بازوی اجرایی شورای اسلامی، تجربه جدیدی را آغاز نمود. اکنون که حدود دو دهه از آغاز فعالیت مدیریت روستایی کشور در الگوی نوین خود می‌گذرد، در راستای تحقق مدیریت روستایی مطلوب و توسعه پایدار روستایی، بازبینی فرآیندها، اصلاح رویه‌های جاری و ارتقای مطلوبیت عملکرد این نهاد بسیار حایز اهمیت است. تحقیق حاضر که با هدف ارزیابی و تحلیل عوامل مؤثر بر بازآرایی الگوی مدیریت خدمات روستایی انجام شده است، از لحاظ ماهیت توصیفی-تحلیلی و از نظر هدف کاربردی می‌باشد. داده‌ها به دو روش میدانی و کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده‌اند. جامعه آماری آن مشتمل بر تمامی شهرستان‌های استان قزوین می‌باشد. در ادامه به صورت خوشه‌ای بخش‌ها، دهستان‌ها و روستاهای هدف انتخاب شده‌اند. در مجموع تعداد ۴۲۷ پرسشنامه از اهالی ۴۰ روستای منتخب استان قزوین تکمیل شده است. براساس نتایج تحقیق در بعد محیطی-کالبدی، مولفه‌هایی همچون: اتخاذ رویکرد پهنه‌ای به جای نقطه‌ای، پیوند فضایی و ویژگی‌های جغرافیایی منطقه و پوشش حداکثری خدمات، در بعد ساختاری-نهادی مولفه‌های: اصلاح قوانین و مقررات، ایجاد سازمان‌های عمرانی و خدماتی مشترک، افزایش ساعات فعالیت دهیار و امکان ارائه خدمت به روستاهای همجوار، در بعد اجتماعی-فرهنگی مولفه‌های: توزیع عادلانه خدمات، پاسخگویی، شفافیت عملکرد، افزایش تعاملات و توجه به اقشار آسیب‌پذیر، در بعد اقتصادی نیز مولفه‌های: رعایت صرفه و صلاح اقتصادی، کاهش هزینه خدمات، افزایش بهره‌وری، منابع درآمدی پایدار، خدمات اشتراکی و نهایتاً در بعد انسانی نیز مولفه‌هایی همچون: مشارکت مردم، بخش خصوصی و تعاونی، اصلاح فرآیند انتخاب دهیار و آموزش شهروندی، از نظر پاسخگویان بیشترین نقش را در فرآیند بازآرایی الگوی مدیریت خدمات روستایی داشته‌اند.

واژگان کلیدی: اقتصاد روستا، مدیریت روستایی، خدمات روستایی، قزوین.

* eziarati@gmail.com

(۱) مقدمه

مدیریت روستایی یکی از ارکان اساسی در جهت پیشرفت و توسعه روستایی می‌باشد و گامی جهت رسیدن به سطحی از توسعه پایدار است. نقش و جایگاه روستاها در فرآیندهای توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در مقیاس محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی و پیامدهای توسعه نیافتگی مناطق روستایی، موجب توجه به توسعه روستایی و به تبع آن مدیریت روستایی گردیده است (ازکیا و دیگران ۱۳۸۳:۲۷). مهم‌ترین اهداف مدیریت روستایی دستیابی به توسعه و به دنبال آن توسعه پایدار روستایی است. لذا مدیریت روستایی با توسعه پایدار در برخی اهداف با هم مشترک هستند که از آن جمله می‌توان به تامین نیازهای اساسی، افزایش تولید و امنیت غذایی، کاهش فقر، افزایش درآمد، حفظ محیط زیست، توسعه فرصت‌های شغلی و افزایش مشارکت و اعتماد به نفس اشاره کرد. هرچند که انسان‌ها در محیط‌ها و فرهنگ‌های متفاوت، دارای نیازهای متفاوتی هستند و مدیریت روستایی، بنا به خواسته‌ها و نیازهای محیط‌های مختلف، واکنش‌ها و اهداف یکسانی را دنبال نمی‌کنند (رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۸۶:۱).

در ایران، پس از فراز و فرودهای بسیار در مدیریت روستایی، براساس قانون موسوم به شوراها (مصوب ۱۳۷۶) و به دنبال آن قانون تاسیس دهیاری‌های خودکفا در روستاهای کشور (مصوب ۱۳۷۷)، با برگزاری انتخابات سراسری شوراهای شهر و روستا و تشکیل نهاد دهیاری، فصل نوینی در مدیریت روستایی آغاز شد (سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور ۱۳۹۱:۴۴).

براساس علم مدیریت، هر سازمان یا نهادی در راستای افزایش کارایی و اثربخشی خود می‌بایست از طریق انجام اقداماتی همچون؛ تغییر ساختار، اتخاذ راهکارهای جدید، انعطاف‌پذیری در برابر تغییرات و فن‌آوری، بهبود عملکرد، افزایش مهارت‌های فردی پرسنل، تمرکززدایی و امثالهم نسبت به بازآرایی سازمان یا نهاد مربوطه اقدام نماید (اقتباس از عربیون و دیگران، ۱۳۹۱:۸۷۳).

هرچند که با شکل‌گیری و استقرار شوراهای اسلامی و دهیاری‌ها بخش عمده‌ای از جمعیت روستایی کشور از خدمات مدیریت روستایی برخوردار شده‌اند ولی همچنان بخش قابل توجهی از روستاهای زیر ۳۰ خانوار کشور از خدمات نهاد دهیاری بی‌بهره بوده و با توجه به تعدد و پراکندگی سکونتگاه‌های روستایی امکان تجهیز تمامی آنها به تجهیزات، امکانات، نیروی انسانی و امثالهم فراهم نشده، فعالیت دهیار در تمامی روستاهای زیر ۱۰۰۰ نفر جمعیت به صورت پاره‌وقت است، الگوی مدیریت روستاها به صورت نقطه‌ای و منفرد بوده و این امر پوشش حداکثری خدمات و همچنین هزینه ارایه خدمات در روستاها را بسیار افزایش می‌دهد. از این رو ضرورت دارد پس از دو دهه تجربه مدیریت روستایی و کسب تجربیات عملی در این خصوص، الگوی جاری مدیریت خدمات روستایی مورد بازآرایی قرار گیرد. اولین گام در راستای بازآرایی الگوی موصوف، شناسایی عوامل مؤثر بر آن است. به همین منظور، پژوهش حاضر در پاسخ به پرسش اصلی تحقیق در پی آن است تا عوامل نقش‌آفرین و مؤثر در الگوی مدیریت خدمات روستایی را شناسایی نماید.

امروزه مباحثی همچون؛ تحقق توسعه متوازن، آمایش سرزمین، توزیع عادلانه امکانات و خدمات، افزایش کیفیت زندگی، عدالت سرزمینی، رعایت حقوق شهروندی و امثالهم از جمله مهم‌ترین دغدغه‌های اغلب جوامع محسوب می‌شود. بی‌شک ازجمله مهم‌ترین الزامات تحقق این مباحث، داشتن بینش صحیح نسبت به محیط، تصمیم‌گیری صحیح و به موقع و داشتن برنامه هدفمند جامع و مانع است (رفیع پور ۱۳۹۲: ۵۸).

باتوجه به ضرورت و اهمیت حقوق شهروندی و تاکید آن بر برابری و عدالت در تامین خدمات و رفاه عمومی برای تمامی کسانی که شهروندان هر جامعه تلقی می‌شوند، ضرورت تحقیق از این منظر مورد بررسی قرار می‌گیرد. حقوق شهروندی حقوق ناشی از قانون اساسی هر کشوری است که بر اثر رابطه شهروندی یا اقامت افراد در کشور خاصی، به آن‌ها اعطا شده و مورد حمایت قانون اساسی قرار گرفته است. حقوق شهروندی مجموعه وسیعی از حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که در کنار آن، تکالیف و وظایف شهروندان در قبال دولت را نیز مورد توجه قرار می‌دهد. همچنین، به رابطه بین شخص و حکومت اطلاق می‌شود، به نحوی که شخص به واسطه اثبات وفاداری نسبت به حکومت، متقابلاً مستحق حمایت حکومت می‌باشد (محمدجواد جاوید و همکاران ۱۳۹۱: ۹۲).

در گذشته انسان‌ها به محض تولد یا ورود به عرصه‌های اجتماعی با لحاظ هنجاری موجوداتی تکلیف‌مند و نه محق شناخته می‌شدند. ولی انسان امروز بیش از آنکه طالب فهم و تشخیص تکالیف خود باشد، طالب درک و کشف حقوق خود است (سرور ۱۳۷۴: ۱۰).

می‌توان گفت به دلیل تغییر چهارچوب فکری انسان عصر مدرن بود که مختصات جهان جدید در مقابل مفهوم "رعیت"، مفهوم "شهروند" و در مقابل "روای سلطنت عادل"، "روای شهروند صاحب حق" را قرار داد و شهروند، انسان اجتماعی صاحب حقوق و در عین حال موظف و مسئول است. در زبان فرانسه غالباً شهروند در نقطه مقابل رعیت به کار می‌رود. شهروند به شکلی از اشکال در تدارک و تنظیم قانون شرکت می‌جوید و حال آنکه رعیت فقط از قانون اطاعت می‌کند و آن را تحمل می‌کند (پیران ۱۳۸۱: ۳۷).

شهروند عضوی از جامعه بزرگ‌تر است و عضویت او به عنوان فردی ذی‌نفع و ذی‌علاقه در امور جامعه به رسمیت شناخته شده است. لذا او دارای صدایی به ارزش صدای دیگر اعضای جامعه است که به او اجازه می‌دهد هم‌تراز با دیگر اعضا از حقوقی برخوردار شود و متناسباً تعهداتی را بر عهده گیرد. آگاهی شهروندان موجب رسیدن ایشان به حقی است که جامعه برای آن‌ها در نظر می‌گیرد و این آگاهی دارای جنبه‌های مختلف آگاهی اجتماعی، آگاهی فرهنگی و امثالهم است (فتحی ۱۳۹۰: ۹۳).

حقوق شهروندی نیز از جمله مفاهیمی است که اخیراً توجه وافر در حوزه‌های مختلف به آن شده است و به طور ویژه‌ای به برابری و عدالت توجه دارد و امروزه در نظریات اجتماعی، سیاسی، حقوقی و توسعه‌ای جایگاه ویژه‌ای یافته است (کیت فالكس ۱۳۸۱: ۲۵).

همان‌طور که گفته شد در مفهوم شهروندی شرط محل سکونت مد نظر نبوده و تابعیت هرکس (اعم از دایم یا موقتی) تنها ملاک شهروندی بوده و بر همین اساس کلیه روستاییان نیز شهروند محسوب شده و

به تبع آن حق و حقوق و تکالیفی بر آنها مترتب است. یکی از مهم‌ترین حقوق روستاییان، حق برخورداری عادلانه و متناسب از امکانات و خدمات مدیریت روستایی است، صرف‌نظر از اینکه در کدام نقطه جغرافیایی ایران و با چه شرایط جغرافیایی، جمعیتی و امثالهم قرار دارند.

در حال حاضر مدیریت روستایی جنبه اجرایی نوینی را به خود گرفته، به صورتی که شوراهای اسلامی به عنوان نماینده و منتخب مردم صرفاً در آبادی‌های بالای ۲۰ خانوار یا ۱۰۰ نفر جمعیت که از نظر قانون‌گذار روستا محسوب می‌شوند تشکیل می‌شود و از طرف دیگر نهاد دهیاری نیز به عنوان بازوی اجرایی شوراهای اسلامی روستا در حال حاضر در روستاهای بالای ۳۰ خانوار و در نهایت در کلیه روستاهای بالای ۲۰ خانوار یا ۱۰۰ نفر جمعیت تاسیس می‌شود.

در این مقطع زمانی که ششمین دوره فعالیت شوراهای اسلامی و سابقه حضور ۱۸ ساله دهیاری‌ها را در عرصه مدیریت روستایی تجربه می‌کنیم از مجموع ۶۲۲۸۴ آبادی دارای سکنه، شورای اسلامی در حدود ۳۸۰۰۰ روستا و نهاد دهیاری در حدود ۳۷۵۰۰ روستا تاسیس شده است. بنابراین در مابقی آبادی‌های دارای سکنه کشور هیچ‌گونه سازوکاری برای مدیریت روستایی و ارائه خدمات این نهادهای مدیریتی به شهروندان ساکن در این سکونتگاه‌ها پیش‌بینی نشده است. مضافاً اینکه الگوی جاری مدیریت روستایی نیز بنا به عواملی همچون؛ تعدد و پراکندگی روستاها، فاصله جغرافیایی، آستانه جمعیتی مورد نیاز برای ارائه خدمات، هزینه بر بودن ارائه برخی از خدمات و مانند آن قابلیت ارائه متناسب کلیه خدمات مدیریت روستایی به کلیه ساکنین مناطق روستایی را ندارد.

با تصویب قانون تاسیس دهیاری‌های خوکفا در روستاهای کشور (مصوب ۱۳۷۷/۴/۱۴)، قانونگذار به وزارت کشور اجازه داد تا برای مدیریت امور روستا نهاد عمومی و غیردولتی دهیاری را در روستاها تاسیس نماید. بر اساس این قانون، اساسنامه، تشکیلات و سازمان دهیاری‌ها در سال ۱۳۸۰ به تصویب رسید و وظایف متعددی در ۴۸ بند در راستای تحقق توسعه پایدار روستایی و در زمینه‌های مختلف بر عهده نهاد دهیاری قرار گرفت. همچنین در قانون شوراها، قانون پسماندها و آئین‌نامه اجرایی آن، آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۹۴ قانون برنامه پنجم توسعه کشور و برخی از قوانین و مقررات موضوعه دیگر، وظایف متعددی در زمینه‌های مختلف عمرانی، خدماتی، زیست محیطی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و با هدف غایی تحقق توسعه پایدار روستایی برای این نهاد مدیریتی تعیین و تصریح شده است (سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، ۱۳۹۳:۲۸).

حال در راستای پاسخ به پرسش اساسی تحقیق، تلاش می‌شود با ملاحظه نقاط ضعف مدیریت خدمات روستایی، نقش عوامل ساختاری- نهادی، انسانی، اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی و محیطی- کالبدی در بازآرایی الگوی مدیریت خدمات روستایی مورد بررسی قرار گیرد.

لذا اکنون که حدود ۱۸ سال از سابقه حضور نهاد دهیاری در عرصه مدیریت روستایی کشور گذشته و این نهاد در بیش از ۳۷۵۰۰ روستای بالای ۲۰ خانوار کشور استقرار یافته است، بازآرایی الگوی جاری در راستای دستیابی به الگویی مناسب و متناسب با شرایط مختلف که زمینه برخورداری کلیه ساکنین مناطق روستایی و آبادی‌های دارای سکنه کشور از خدمات مدیریت روستایی را فراهم نماید، بیش از هر

چیز ضروری به نظر می‌رسد. بی‌شک نتایج این تحقیق می‌تواند سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان عرصه مدیریت روستایی کشور را در بازآرایی و اصلاح فرآیندهای این حوزه کمک نموده، بر مطلوبیت عملکرد مدیریت روستا بیافزاید و بسترهای لازم برای ارایه خدمات یکپارچه مدیریت روستایی برای تمامی جمعیت روستایی را فراهم نماید.

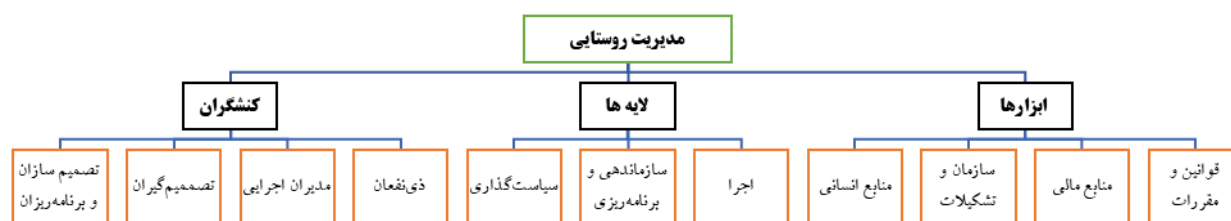
بر همین اساس این تحقیق به دنبال شناسایی عوامل موثر بر بازآرایی الگوی مدیریت خدمات روستایی استان قزوین است.

(۲) مبانی نظری

تبیین نظری مفاهیم مرتبط با الگوی مدیریت خدمات روستایی تابعی از شناخت چند مفهوم کلیدی زیر است؛

مدیریت روستایی

موضوع مدیریت روستایی را باید زیرمجموعه مباحثی نظیر مدیریت توسعه پایدار و مدیریت توسعه روستایی دانست. ضرورت طرح آن نیز از آنجا ناشی می‌شود که روستا به منزله یک اجتماع سازمان‌یافته، نیازمند وجود عنصری برای اداره امور کنونی و برنامه‌ریزی آینده آن است. مدیریت روستایی را نمی‌توان صرفاً حاصل تعامل ساده دهیاری با شورای اسلامی روستا دانست بلکه شامل کنشگران، لایه‌ها و ابزارهای مختلفی است که هر یک از آنها در فرآیند مدیریتی روستا اثرگذار هستند (سوادی علی‌اصغر و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۷).



شکل ۱. مدیریت روستایی؛ کنشگران، لایه‌ها و ابزارها

برای درک مدیریت روستایی می‌توان آن را به یک نظام تشبیه کرد. مدیریت روستایی نیز متشکل از اجزای به هم وابسته است که در قالب ساختاری واحد با یکدیگر دارای روابط متقابل هستند (دربان آستانه؛ ۱۳۹۰: ۱۲۴).

خدمات

آلن پیرو، خدمات را اینگونه معرفی می‌کند: "خدمات، تمام فعالیت‌های بخش سوم اقتصاد را تشکیل می‌دهد و در محاسبات مربوط به تولیدات ملی، در برابر کالاها قرار می‌گیرد. به طور کلی تمامی کارگران

فعالی که کالایی تولید نمی‌کنند به عنوان ارایه کننده خدمات محسوب می‌شوند مثل معلمان و امثالهم (پیرو، ۱۳۶۶:۲۱۵).

فعالیت‌های اقتصادی مشتمل بر سه بخش؛ کشاورزی، صنعت و خدمات است که بخش سوم این فعالیت‌ها (خدمات) غیر تولیدی می‌باشند و نقش بسیار مهمی را در اقتصاد کشورها عهده‌دار هستند. در کشورهای اروپایی بیش از ۵۰ درصد از فعالیت‌ها به این بخش اختصاص داشته و ارزش افزوده آن بیش از سایر بخش‌ها است (تودارو، ۱۳۶۵:۲۲).

خدمات‌رسانی نیز به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که بر اثر آن خدمتی در اختیار جامعه قرار می‌گیرد که این اقدامات ممکن است از سوی بخش دولتی یا خصوصی ارایه شود. جوامع خدمت گیرنده می‌توانند شهری یا روستایی باشند.

یک خدمت عمومی آن است که امکان دسترسی به آن برای همگان میسر باشد و شامل مواردی است که مردم راسا نمی‌توانند آن را برای خود تامین کنند. بدین معنی که مردم باید تلاش کنند تا آن را به صورت جمعی برای خود تامین کنند (لونزویل، ۱۳۵۶:۱۴). خدمات عمومی، تامین نیازهای افراد از طریق کمک‌رسانی و ایجاد منافع برای آن‌ها است. تلاش مورد نظر برای کمک‌رسانی صرفا تولید یک کالا را شامل نمی‌شود، بلکه یک کالا نیز می‌تواند در این مقوله قرار گیرد، از قبیل انتقال آب یا گاز و کالاهای غیر ملموس نظیر بهداشت، آموزش و پرورش و امثالهم (همان، ۱۳).

لاین بری، خدمات عمومی را در ۵ مقوله طبقه‌بندی کرده است:

(۱) خدمات اجتماعی ویژه ثروتمندان؛ بدین معنا که گروه‌های با سطح درآمد بالا یا متوسط، سهم قابل توجهی از مزایای این خدمات را دریافت می‌کنند. نظیر دانشگاه‌های ملی، کتابخانه‌ها، فروشگاه‌ها و امثالهم.

(۲) خدمات اجتماعی ویژه فقرا؛ بدین معنی که گروه‌های کم‌درآمد از بخش عمده این خدمات استفاده می‌کنند. نظیر تفریحات عمومی، مراکز بهداشتی و امثالهم.

(۳) خدمات مربوط به زیرساخت‌های اجتماعی - اقتصادی؛ این گونه خدمات، خدماتی هستند که موجب رشد اقتصادی جامعه می‌شود. نظیر سیستم‌های آبرسانی، فاضلاب، جاده و امثالهم.

(۴) خدماتی که موجب افزایش کیفیت زندگی می‌شوند؛ این گروه از خدمات، خدماتی هستند که باعث می‌شوند تا مردم از زندگی در یک ناحیه احساس رضایت و امنیت خاطر نمایند. نظیر مدرسه، بیمارستان، پارک، امکانات رفاهی و امثالهم.

(۵) خدماتی که مشترکا از سوی بخش دولتی و خصوصی ارایه می‌شوند؛ منظور از این خدمات، خدماتی است بخش خصوصی و دولت در تامین و ارایه آن‌ها سهیم هستند. نظیر مراقبت‌های بهداشتی، حمل و نقل، مسکن و امثالهم.

به طور کلی هر خدمتی که دولت در آن مشارکت نماید خدمات عمومی تلقی می‌شود (آسایش، ۱۳۷۵:۸۰). به آن دسته از خدماتی اطلاق می‌شود که کاربرد آن‌ها برای ایجاد تعادل و توازن جامعه ضروری است و اکثر مردم جامعه از مزایای آن بهره‌مند می‌شوند و یا در جهت منافع آن‌ها است. البته ماهیت خدمات اساسی در یک کشور و یا یک منطقه با کشور و یا منطقه دیگر متفاوت است. به عنوان نمونه اولویت

خدمات روستایی در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری با کشورهای جهان سوم متفاوت است و عواملی نظیر فرهنگ و سطح توسعه اقتصادی در تعیین اولویت‌های مزبور دخالت دارد. (لوزویل، ۱۳۵۶: ۱۷).

خدمات مدیریت روستایی از جمله دهیاری‌ها، خدماتی است که همه از مصرف آن منتفع می‌شوند. به این معنا که مصرف هر فرد، سبب کاهش مصرف دیگران از آن نمی‌شود. مدیریت پسماند، آتش‌نشانی، فضای سبز و... نمونه‌هایی خدمات دهیاری‌ها هستند. این نوع خدمات در زمره کالاهای عمومی^۱ قرار می‌گیرند. کالای عمومی که گاهی از آن به نام کالای جمعی^۲ یا کالای اجتماعی^۳ یاد می‌شود، با وجودی که برای بسیاری از شهروندان ضروری است، بازار و بخش خصوصی، انگیزه کافی برای تولید آن ندارند؛ چراکه ماهیت این نوع کالاها به گونه‌ای است که افراد پس از ساخته شدن، حاضر نیستند قیمت آن را بپردازند (دربان آستانه ۱۳۸۴: ۲۱۵).

مدیریت یکپارچه خدمات روستایی

مدیریت روستایی تلاشی است برای هماهنگ و یکپارچه کردن اقدامات دولتی و خصوصی جهت چیره شدن بر مسائلی که ساکنان روستاها با آن مواجه هستند و ایجاد روستاهای رقابتی‌تر، عادلانه‌تر و پایدارتر. مدیریت یکپارچه روستایی عبارت است از فرآیند ایجاد، اجرا، هماهنگی و ارزیابی استراتژی‌های یکپارچه به کمک متولیان ارایه خدمات روستایی با در نظر گرفتن اهداف عملیاتی بخش خصوصی و منافع شهروندان، در چارچوب سیاستی که در سطوح بالاتر حکومت برای تحقق قابلیت توسعه پایدار تدوین شود (برک پور و اسدی، ۱۳۸۸). بدون این وحدت و هماهنگی بین سازمانی، کارایی و اثربخشی مجموعه اقدامات و منابع صرف شده برای اداره امور روستا و توسعه آن به شدت مورد سؤال و تشکیک است (کاظمیان و سعیدی رضوانی، ۱۳۸۳: ۱۵۶).

ترنر و بارت، مؤلفه‌های اصلی مدیریت یکپارچه را موارد زیر دانسته‌اند:

- مشروعیت حکومت: مشروعیت حکومت به وجود فرایندهای مشارکتی و رضایت حکومت شوندگان بستگی دارد.

- مسئولیت و پاسخگویی عناصر سیاسی و رسمی حکومت در زمینه اقدامات خود: این مؤلفه به دسترسی‌پذیری اطلاعات، آزادی رسانه‌ها، شفافیت تصمیم‌گیری و وجود سازوکارهایی برای پاسخ‌گویی افراد و نهادها بستگی دارد.

- شایستگی حکومت برای تدوین سیاست مناسب، تصمیم‌گیری بجا، اجرای مؤثر تصمیم‌ها و ارائه خدمات.

- احترام به حقوق بشر و قانونمندی، برای تضمین امنیت و حقوق فردی و گروهی، تأمین چارچوبی برای فعالیت اقتصادی و اجتماعی و روا دانستن و تشویق کردن همه افراد به مشارکت (بابایی و ابراهیمی، ۱۳۹۵: ۴۸).

1- Public Good

2-Collective Good

3-Social Good

بازارابی^۱

در علم مدیریت به معنای پیاده‌سازی بخشی، یا ساختاردهی سازمان برای افزایش کارایی و اثربخشی و در نهایت سود بیشتر سازمان است و وسیله‌ای برای بهتر دیدن آینده سازمان و بقای سازمانی تلقی می‌شود. به عبارتی تغییر ساختار می‌تواند توسط تعدادی ملاحظات استراتژیک مانند میل به اتخاذ راهکارهای جدید، انعطاف‌پذیری برای پاسخ‌دهی به تغییرات محیط پویا و یا نیاز به بهبود کار در سطح جهانی و یا نیاز به بهبود عملکرد کسب و کار از طریق کاهش هزینه یا افزایش بهره‌وری صورت پذیرد (عربیون و دیگران، ۸۷۴:۱۳۹۱).

سازمان باید در مواقع لزوم، با ایجاد تغییر و بازاریابی منابع ملموس و غیرملموسش رقابت‌پذیری خود را حفظ کند. شناسایی و انتخاب موفقیت‌آمیز فرصت‌های شناسایی شده، انتخاب هوشمندانه ویژگی محصولات و فناوری‌ها، طراحی مدل کسب و کار مناسب و تداوم در اختصاص منابع به فرصت‌ها، به رشد و سودآوری سازمان می‌انجامد. این رشد سودمندانه موجب تقویت دارایی‌های سازمان می‌شود. موفقیت سازمان نیز تکامل سازمان در مسیرش را به همراه دارد. بدین منظور، مؤلفه‌ی حیاتی برای رشد سودمندانه و پایدار، توانایی سازمان در بازاریابی منابع است. برای کسب مزیت رقابتی پایدار، باید از تصمیمات سازمان تمرکززدایی صورت گیرد تا مدیران به بازار، مشتریان و فناوری‌های جدید نزدیک تر باشند (Zahra et al, 2006:928).

لایه‌زدایی، تمرکززدایی و تجمیع فعالیت‌ها و بخش‌های مختلف سازمان از ویژگی‌های حیاتی دیگر برای بهبود قابلیت بازاریابی است. نکته‌ای که در ادبیات استراتژی همواره بدان اشاره می‌شود لزوم تناسب بین استراتژی، ساختار و فرایندهای سازمان است (Teece, 2007:128).

از جمله دلایل بازاریابی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- بخش‌هایی از سازمان بطور عمده خارج از حدود مقررات قرار دارند؛
 - ۲- فناوری و یا نوآوری در فرآیند تولید، تغییر ایجاد کرده‌اند؛
 - ۳- کاهش یا افزایش عمده‌ای در ساختار صف ایجاد شده است؛
 - ۴- مهارت‌ها و توانایی‌های جدید برای رسیدن به الزامات جاری یا پذیرفته شده مورد نیاز است؛
 - ۵- حفظ یا اخراج کارکنان (اعضاء) یک مشکل اساسی شده است (Balogun and Johnson, 2004:533).
- به طور کلی در این تحقیق، منظور از بازاریابی، مجموعه اقداماتی همچون؛ تغییر ساختار، اتخاذ راهکارهای جدید، انعطاف‌پذیری در برابر تغییرات، بهبود عملکرد و افزایش مهارت‌های فردی پرسنل مدیریت خدمات روستایی به منظور افزایش کارایی و اثربخشی الگوی جاری مدیریت خدمات روستایی است.

^۱ - Rearrangement

^۲ - Decentralization

الگوی مدیریت خدمات روستایی

تعاریف و برداشت‌های متفاوتی از واژه الگو^۱ یا مدل^۲ براساس اهداف و انتظارات مورد نظر مستفاد می‌شود. در یک تعریف آن را به لحاظ لغوی به مفهوم سرمشق، مقتدی و اسوه و در اصطلاح آن را بیان یک یا چند واقعیت به هم مرتبط توسط نمادهای مختلف نوشتاری، ترسیمی یا فیزیکی می‌دانند. برخی آن را به عنوان بخشی که شکل یا کیفیت کل را نشان می‌دهد و برخی آن را به عنوان پیش‌نویس یا نموداری معرفی کرده‌اند که راه معمولی یک عمل یا رفتار و یک ساختار ادراکی را نمایش می‌دهد. الگو به مجموعه اطلاعات، داده‌ها یا اصولی اشاره دارد که به شکل کلامی، تصویری و گاهی به صورت ریاضی دسته‌بندی شده‌اند تا موجود بودن، عقیده و وضعیت یا پدیده معینی را معرفی یا توصیف کنند. رهبر معظم انقلاب نیز الگو را یک نقشه جامع برمی‌شمارند که هدف و سمت حرکت، شیوه حرکت و نحوه رفتار جامعه را برای تحقق یافتن تحول تکاملی جامعه نشان می‌دهد (سوادی علی‌اصغر و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۷). برخی نیز آن را به مفهوم طراحی تصویر مطلوب از آینده قلمداد می‌کنند (افتخاری و بدری، ۱۳۹۱: ۳۸). باید در نظر داشت که الگوها چهارچوب ادراکی یا پنجره‌هایی به سوی جهان ایجاد می‌کنند. این چهارچوب‌ها برخی چیزها را غریب کرده و به برخی با سهولت اجازه عبور می‌دهند. شاید از اینرو است که الگوها به ندرت به صفت درست یا غلط متصف می‌شوند (سوادی علی‌اصغر و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۷).

با توجه به تعاریف متعدد از الگو می‌توان گفت منظور از الگوی مدیریت خدمات روستایی، یک نقشه راهنما جهت مطلوبیت موضوع مورد نظر براساس ویژگی‌ها، خواست‌ها و نیازهای جامعه روستایی است. این تحقیق در پی آن است تا براساس ویژگی‌های جغرافیایی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی منطقه مورد مطالعه و با هدف ارتقای کیفیت و کمیت خدمات مدیریت روستایی پیشنهاداتی را برای بازآرایی الگوی جاری مدیریت خدمات روستایی ارائه نماید.

نظریه مقابله با تفرق عملکردی

به‌طور کلی سکونتگاه‌های انسانی، سیستم‌های کالبدی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بسیار پیچیده و پویایی هستند که به تناسب آن کنترل و هدایت برنامه‌ریزی شده آن‌ها نیز با دشواری‌های بسیار روبه‌رو است. بر همین اساس نظریه‌پردازان و کارگزاران برنامه‌ریزی و مدیریت، برای دستیابی به کارایی و اثربخشی مورد انتظار در تحقق اهدافشان تلاش کرده‌اند تا سیستم متناظری را برای مدیریت این مناطق ایجاد کنند تا از این طریق بتوانند برای هدایت توسعه یکپارچه و منسجم و نیز رفع مسایل بغرنج این پهنه‌های جغرافیایی اقدام موثری نمایند. بدین‌ترتیب مفاهیمی که اغلب با پسوندها و پیشوندهایی همچون "یکپارچه"، "یکپارچه‌سازی"، "منسجم" و مانند اینها همراه می‌شوند گویای چنین تلاش‌هایی هستند.

¹ Pattern² Model

از این رو تعدد، تکثر و تنوع عناصر و ابعاد مختلف امور محلی و منطقه‌ای از یک سو و عوامل تاثیرگذار، تصمیم‌گیر، برنامه‌ریز و هدایتگر برنامه‌های توسعه در این مناطق از سوی دیگر، تهدیدهای بالقوه بزرگی برای برنامه‌ریزی و مدیریت یکپارچه و منسجم در این گونه مناطق محسوب شده و منجر به ایجاد مساله‌ای تحت عنوان "تفرق و چندپارگی" می‌شوند. براساس تئوری مقابله با تفرق عملکردی، دو نوع تفرق کلان در متون و موضوعات منطقه‌ای و محلی وجود دارد؛

۱- تفرق در ابعاد مختلف سکونتگاه‌ها و مناطق

۲- تفرق در نظام (یا نظام‌های) برنامه‌ریزی و مدیریت آن.

هر دو نوع تفرق اگرچه اغلب و در ابعاد متفاوت وجود دارند، نامطلوب قلمداد شده و تلاش‌های زیادی برای کاهش آن‌ها در حوزه‌ها و رشته‌های مختلف علمی صورت پذیرفته است. بررسی‌ها گویای آن است که در سکونتگاه‌ها و مناطق، تفرق‌هایی همچون؛ تفرق کالبدی- فضایی، تفرق و چندپارچگی اجتماعی، تفرق بصری و تفرق فضایی- اکولوژیک قابل مشاهده هستند. همچنین از منظر برنامه‌ریزی و مدیریت نیز می‌توان تفرق‌هایی همچون؛ تفرق نظری، تفرق عملکردی، تفرق برنامه‌ریزی - سیاستی، تفرق سیاسی- حکومتی و تفرق منافع را مشاهده نمود (برک‌پور، ۱۳۸۷: ۷۶).

رویکرد فضایی/ برنامه‌ریزی فضایی

برنامه‌ریزی فضایی رویکردی ناظر بر توزیع فضایی پدیده‌ها نظیر انسان یا فعالیت‌ها در فضای مشخص جغرافیایی است. با توجه به محتوای تعریف فضا از ویژگی‌های بارز برنامه‌ریزی فضایی عدم قطعیت انتخاب دقیق مکان برای استقرار هر نوع فعالیت است (فرجی راد، ۱۳۸۳: ۲۹).

بررسی ادبیات جهانی مرتبط با برنامه‌ریزی‌ها و تحلیل‌های فضایی نشان می‌دهد که رویکرد فضایی به برنامه‌ریزی می‌تواند به عنوان یک فرایند، توان بهتری را برای ارائه کیفیت بهتر توسعه فراهم آورد. بر مبنای تعاریف بعمل آمده، برنامه‌ریزی فضایی در ورای دیدگاه سنتی برنامه‌ریزی کاربری اراضی قرار داشته و با رویکرد یکپارچه‌سازی سیاست‌ها برای حصول به توسعه و بهره‌برداری بهینه از زمین و فعالیت‌ها تلاش می‌نماید. در این معنا همان‌طور که «متیو کارمونا»^۱ تصریح دارد برنامه‌ریزی فضایی از خصوصیات زیر برخوردار است (Carmona, 2004: 2):

- چشم اندازی روشن برای آینده را ترسیم می‌نماید.
- متمرکز بر روی نتایج و پیامدها است.
- در جستجوی مدیریتی خلاقانه و پیش‌تازانه از طریق اجرای طرح‌های فضایی است.
- نیازها و مسایل جوامع را در اولویت قرار داده و شیوه‌های رفع نیازها و مشکلات را پیشنهاد می‌دهد.
- به منظور حصول به توسعه سرزمینی، یکپارچه‌سازی فعالیت‌ها را به شکل گسترده مورد توجه قرار می‌دهد؛ و نیز

^۱-Matthew Carmona

- یکپارچه‌سازی استراتژی‌ها و برنامه‌ها را همچون استراتژی توسعه روستا - شهر و توسعه منطقه‌ای مورد تاکید قرار می‌دهد.

همچنین کارمونا توجه به شش اصل کلیدی را در تحلیل‌های فضایی مورد تدقیق قرار می‌دهد:

- (۱) برخورداری از دیدی عمیق، روشن، مشخص و واقع‌گرایانه در این زمینه که نواحی چگونه توسعه و تغییر می‌یابند.
- (۲) گستردگی دامنه فعالیت‌ها در ورای تمرکز بر نظام کاربری اراضی به منظور تامین ساز و کارهایی جهت حصول به اهداف توسعه پایدار با تاکید بر مباحث اجتماعی، اقتصادی و محیطی
- (۳) توجه به نیازها و مطالبات جوامع و خبرگان محلی از طریق رویکرد مشارکتی
- (۴) اعمال رویکرد یکپارچه در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها
- (۵) رایۀ رویکردی منعطف و تحت کنترل که بتواند پاسخگوی نیازهای جوامع باشد.
- (۶) تعیین سازو کارهای واگذاری امور به قدرت‌های محلی

برایند چنین رویکردی به برنامه‌ریزی توسعه روستایی بی‌تردید تضمین کننده کاهش عدم تعادل‌های منطقه‌ای از طریق کاهش شکاف میان شهر و روستا، بین بخش‌های مختلف اقتصادی و بین مناطق خواهد بود. در مجموع تحقق چنین شرایطی که در رویکردهای کلاسیک می‌توان آن را غفلت از ابعاد فضایی در فرایند توسعه، توسط برنامه‌ریزان اقتصادی و فیزیکی خواند در تعامل با برنامه‌ریزی فضایی منجر به پیدایش دانش برنامه‌ریزی منطقه‌ای گردید (میسرا، ۲۶: ۱۳۶۴).

در مجموع بررسی این رویکرد نشان داد که با توجه به ماهیت و اهداف این تحقیق، بهره‌گیری از رویکرد فضایی بسیار راهگشا است. با توجه به تاکید این رویکرد بر مواردی همچون؛ ارتقای توان در راستای دستیابی به توسعه با کیفیت‌تر، ضرورت یکپارچه‌سازی استراتژی‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای (به ویژه استراتژی توسعه شهر- روستا)، تجمیع اقتصادی و مانند آن و همچنین با مد نظر قرار دادن ویژگی‌های این رویکرد، می‌توان گفت که براساس رویکرد فضایی، تحقیق حاضر بایستی بر موارد ذیل تاکید و اهتمام داشته باشد؛

- ضرورت واقع‌گرایی در فرآیند تحقیق

- ضرورت توجه به ابعاد اقتصادی، اجتماعی و محیطی منطقه مورد مطالعه

- ضرورت توجه به نیازها و مطالبات مردم و خبرگان محلی

- انعطاف‌پذیری تحقیق و قابلیت کنترل در پاسخ به نیازها

- تاکید بر واگذاری امور بر قدرت‌های محلی

- ضرورت تجمیع اقتصادی در رایۀ خدمات

بدیهی است علاوه بر بررسی مبانی نظری تحقیق، بررسی مطالعات و پژوهش‌های داخلی و خارجی مرتبط با تحقیق در راستای شناسایی صحیح عوامل موثر بر بازآرایی الگوی مدیریت خدمات روستایی، بسیار حایز اهمیت است. در این خصوص می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد؛

آکگول (Akgul, 2012) در مطالعه‌ای تحت عنوان "سنجش رضایت شهروندان از خدمات شهرداری کیرسهر (ترکیه)"، با استفاده از روش ارزیابی کیفیت خدمات به روش سروکوال، به این نتیجه رسید که

شهروندان در مجموع از عملکرد شهرداری راضی نیستند زیرا انتظارات آن‌ها را برآورده نمی‌کند. همچنین نتایج نشان داد که برخی متغیرها مانند وضعیت تأهل، سطح تحصیلات، نوع شغل و درآمد ماهانه شهروندان با میزان رضایتمندی آن‌ها ارتباط دارد. مخلیص و همکاران (Mokhlis et al., 2011) به ارزیابی رضایتمندی شهروندان از کیفیت خدمات شهرداری‌های جنوب تایلند به روش سروکوال پرداختند و از تحلیل عاملی برای گروه‌بندی گویه‌های تحقیق استفاده شد. نتایج تحقیق نشان داد در مجموع، شهروندان از کیفیت خدمات شهرداری‌ها رضایت نسبی دارند. همچنین تحلیل رگرسیون نشان داد وضعیت فیزیکی تجهیزات، پاسخگویی و همدلی، مهم‌ترین عوامل تبیین‌کننده رضایت شهروندان هستند. توکلی (۱۳۹۴) در مطالعه خود به ارزیابی کیفیت خدمات دهیاری‌ها با بهره‌گیری از مدل شکاف (مطالعه موردی: دهستان میان دربند شهرستان کرمانشاه) پرداخت. این مطالعه با رویکرد توصیفی-تحلیلی به ارزیابی کیفیت خدمات دهیاری‌ها می‌پردازد. بدین منظور با تکیه بر مبانی نظری و وظایف دهیاری‌ها، ۳۲ گویه در ابعاد رفتاری، کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و بهداشتی تعریف شد. مکانیکی و نیک فرجام (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان "ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها از دیدگاه روستاییان در افزایش مشارکت اجتماعی، مطالعه موردی: شهرستان بیرجند"، به این نتیجه رسیدند که بین دیدگاه روستاییان و دهیاران در خصوص نقش دهیاری‌ها در افزایش مشارکت اجتماعی در راستای شکل‌گیری سرمایه اجتماعی، تفاوت معناداری وجود دارد. رستمی و همکاران (۱۳۹۴)، در مطالعه‌ای با عنوان "ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها در توسعه روستایی، مطالعه موردی: دهیاری‌های شهرستان ایوان، استان ایلام"، به این نتیجه رسیدند که عواملی مانند: کمبود امکانات و منابع مالی دهیاری، مسائل قومی و قبیله‌ای در انتخاب دهیار، عدم شناخت و آگاهی مردم از وظایف دهیاری، ابهام در وضعیت شغلی و استخدامی دهیاران، عدم توانایی شخصی دهیاران و عدم مشارکت مردم، میزان آموزش‌های تخصصی و عمومی، سطح تحصیلات و میزان انگیزه دهیار، رضایت شغلی، میزان تجربه و سبک مدیریت بر عملکرد دهیار اثرگذار بوده و تأثیر مثبت و مستقیمی بر حکمروایی روستایی دارد (رستمی و همکاران، ۱۳۹۴). رضوانی و همکاران (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان "ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها با استفاده از مدل چارچوب عمومی ارزیابی (CAF)، مطالعه موردی: شهرستان دهلران"، دریافتند که عملکرد دهیاری‌ها بر اساس مدل چارچوب عمومی ارزیابی و شاخص‌های استفاده شده برای ارزیابی عملکرد، نامطلوب بوده است، عواملی مانند تحصیلات پایین دهیاران، آشنا نبودن آن‌ها با مبانی ارزیابی عملکرد، نبود برنامه مصوب پنج‌ساله در دهیاری‌ها، عدم مشارکت مردم در طرح‌های عمرانی و مشکلات مالی و اعتباری دهیاری‌ها، در ناکارایی عملکرد آن‌ها تأثیرگذار بوده است. در این راستا، آموزش همه‌جانبه‌ی دهیاران، دقت در انتخاب و گزینش دهیاران، تقویت مشارکت مردم در مدیریت امور روستاها، توسعه‌ی منابع مالی دهیاری‌ها و درنهایت، اجرای سامانه‌ی نظارت و ارزیابی عملکرد، می‌تواند در تقویت عملکرد دهیاری‌ها اثربخش باشد (رضوانی و همکاران، ۱۳۹۲). دربان آستانه و رضوانی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان "سنجش سطح حکمروایی روستایی و عوامل مؤثر بر آن در حکومت‌های محلی شهرستان قزوین"، مواردی نظیر: رضایت شغلی دهیار، تحصیلات و سبک مدیریت وی، تعامل دهیاری با دهیاری‌های همجوار، تجربه دهیار، تجهیزات دهیاری، جمعیت روستا، درجه

دهیاری و انسجام اجتماعی را به عنوان مهم‌ترین متغیرهای مؤثر بر موفقیت عملکرد حکومت‌های محلی و شکل‌گیری سرمایه اجتماعی ناحیه مورد مطالعه بر شمرده است. در پژوهش رستمی و همکاران (۱۳۹۰) مؤلفه‌های مؤثر بر عملکرد نظام مدیریت محلی دهستان بالادربند شهرستان کرمانشاه بررسی شد. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی نشان دهنده تبیین پنج عامل مشارکت اجتماعی، شفافیت‌سازی، قانون‌محوری، همکاری در فعالیت‌های اجرایی طرح هادی، و بینش استراتژیک به عنوان مؤلفه‌های مؤثر بر عملکرد نظام مدیریت محلی روستایی بوده است. ونچانگ (۲۰۰۸) در پژوهشی که درخصوص مدیریت روستایی در یکی از مناطق چین انجام داد به این نتیجه رسید که مدیریت روستایی زمانی در نواحی روستایی جایگاه خود را پیدا می‌کند که با فرهنگ روستایی، منابع روستایی، اکولوژی روستایی، تولیدات روستایی، کاهش فقر روستایی و بهبود زندگی روستایی در تعامل عملکردی باشد. سنایی‌مقدم و همکاران (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان "بررسی و تحلیل عملکرد دهیاران در توسعه روستایی" مشورت با دیگران، سن و سوابق مدیریتی دهیار را از عوامل مؤثر بر رضایتمندی مردم می‌دانند. عنابستانی و همکاران (۱۳۹۲) نیز در پژوهش خود، ارتباط دوستانه مردم و مسئولان، پاسخگویی به مشکلات مردم توأم با احترام، نحوه رسیدگی مسئولان به وظایف خود و میزان علاقه و انگیزه آن‌ها در انجام وظایف خود را از جمله عوامل مؤثر در موفقیت و عملکرد مدیریت روستا برشمرده‌اند.

بررسی پیشینه تحقیق گویای آن است که اغلب تحقیقات پیشین به مقوله‌هایی همچون؛ سطح‌بندی خدمات یا مکان‌یابی استقرار خدمات روستایی، آسیب‌شناسی وضع موجود، سنجش رضایت ذی‌نفعان، ارزیابی عملکرد مدیریت روستایی و امثالهم پرداخته‌اند ولی تحقیق حاضر کوشیده است تا با رویکرد یکپارچه و سیستمی، ضمن واکاوی تجربه دو دهه فعالیت مدیریت روستایی از منظر ذی‌نفعان و کارشناسان، عوامل مؤثر برای ارتقای کارآمدی و مطلوبیت عملکرد مدیریت روستایی ارایه نماید.

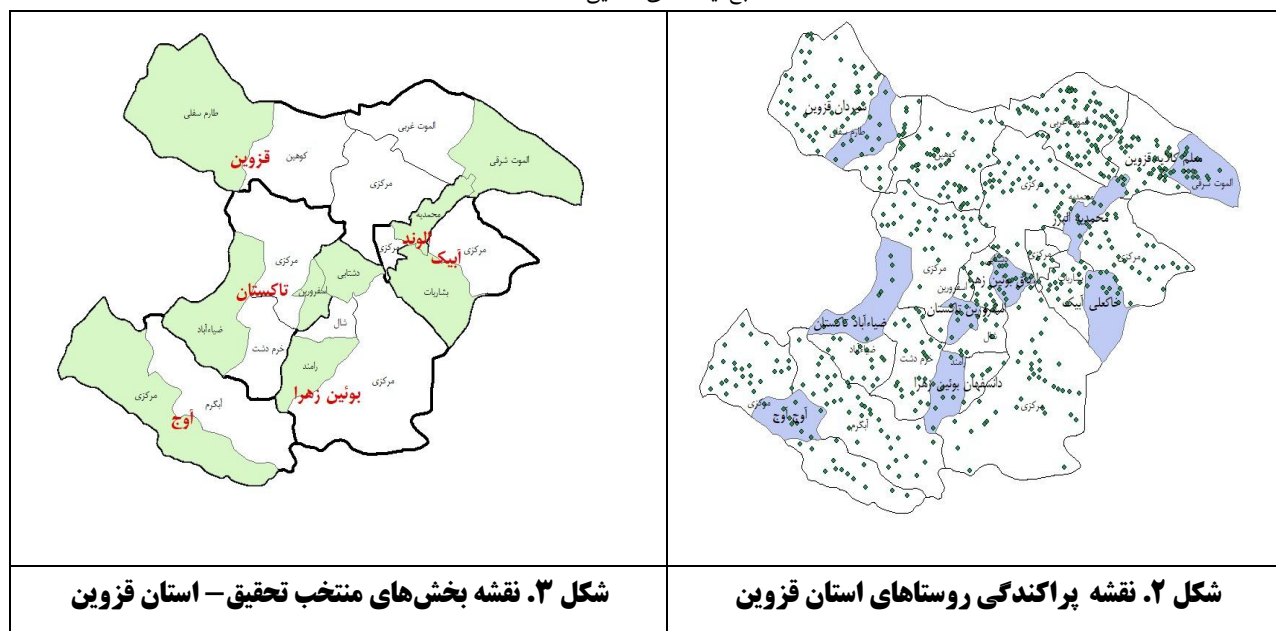
۳) روش تحقیق

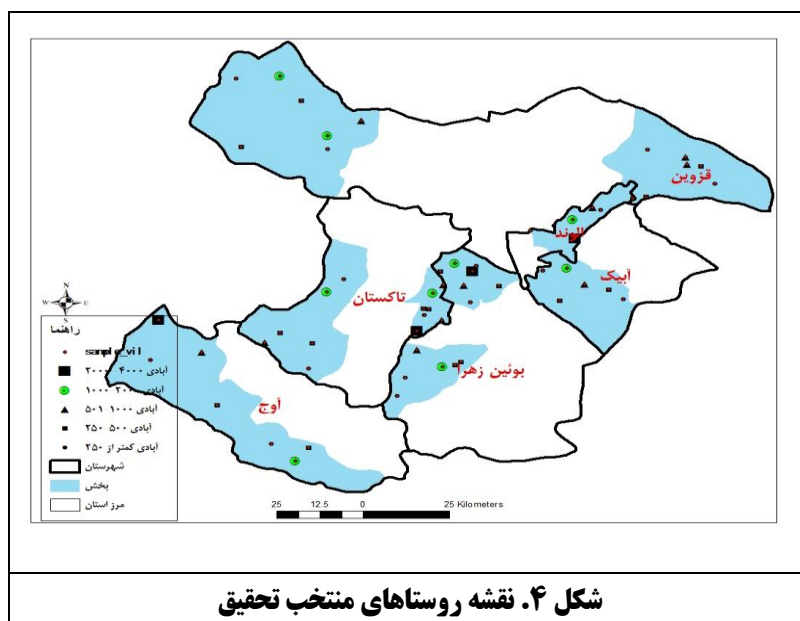
تحقیق حاضر از لحاظ ماهیت توصیفی-تحلیلی و از نظر هدف کاربردی می‌باشد. داده‌ها به دو روش میدانی و کتابخانه‌ای با ابزارهایی چون: پرسشنامه، مصاحبه، کتب و مقالات گوناگون، جمع‌آوری شده‌اند. جهت سنجش پایایی ابزار گردآوری اطلاعات از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. جامعه آماری این پژوهش شامل ۵۲۷ روستای استان قزوین می‌باشد که براساس مجوز وزارت کشور، نهاد دهیاری در آنها استقرار یافته است. این روستاها در شش شهرستان این استان واقع شده‌اند. در هر شهرستان با توجه به معیارهایی همچون؛ جمعیت، فاصله، تعداد و جمعیت روستاهای دارای دهیاری، ابتدا بخش یا بخش‌هایی انتخاب (در مجموع ۹ بخش) و به تبع آن براساس همین معیارها، در سطح هر بخش نیز دهستان یا دهستان‌هایی (در مجموع ۲۲ بخش) و نهایتاً در سطح هر دهستان نیز روستا یا روستاهایی براساس معیارهای موصوف با بهره‌گیری از روش‌های آماری مناسب انتخاب شده‌اند (در مجموع ۴۰ روستا). حجم نمونه مورد نیاز نیز با بهره‌گیری از فرمول کوکران، ۴۲۷ نفر از اهالی (معمدین) تعیین شد که بسته به جمعیت هر روستا، بین ۹ تا ۲۰ پرسشنامه توسط اهالی تکمیل شده است.

جدول ۱. جامعه آماری تحقیق

ردیف	شهرستان	تعداد دهیاری	بخش منتخب	دهستان منتخب	روستاهای منتخب
۱	البرز	۳۰	محمدیه	حصار خروان	احمدآباد
				شریف آباد	اردلان / آزادده
۲	آبیک	۷۱	بشاریات	شرقی	چوبینه / حسین آباد جرنیق / حصارولیعصر
				غربی	حکیم آباد / خاکشان
۳	آوج	۹۵	مرکزی	حصارولیعصر	خرم آباد / خروان
				شهید آباد	خشکچال / خیارج
				نیربج	دبیریان
۴	بوئین زهرا	۱۰۴	دشتابی	دشتابی شرقی	دلچک خان محمد / دیج / دینه کوه
			رامند	دشتابی غربی	روچ علیا / زرنند / زعفران / زه آباد
				ابراهیم آباد	ساج / سلیمان آباد / شادمهان
۵	تاکستان	۱۰۳	اسفرورین	اک	شترک ماخورین / شنبرک / شهرآباد
				خرم آباد	عبدل آباد
			ضیاء آباد	دودانگه سفلی	علی آباد / فارسجین
				دودانگه علیا	قشلاق چرخلو / قلعه گنجی
۶	قزوین	۲۱۴	طارم سفلی	چوقور	کوهگیر سفلی
				خندان	لوشکان / محمودآباد
				کوهگیر	مرادیگیلو
				نیارک	نهران
			الموت شرقی	الموت بالا	نیربج / وربن
				الموت پایین	ورس
				معلم کلايه	وروق
جمع:	۶	۵۲۷	۹	۲۲	۴۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۰





۴ یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی

در جامعه مورد مطالعه از نظر جنسیت ۷۴,۷ درصد از پاسخگویان مرد و ۲۵,۳ درصد آنان زن بودند. حدود ۵۳ درصد جامعه در گروه سنی ۳۱-۴۵ سال قرار داشتند. در زمینه تحصیلات نیز بیشترین میزان با ۳۸,۶ درصد دارای تحصیلاتی در سطح دبیرستان و دیپلم می‌باشند. وضعیت شغلی در منطقه مورد مطالعه نیز نشان می‌دهد که بیشتر پاسخگویان به شغل کشاورزی مشغول هستند (۳۱,۴ درصد).

جدول ۲. مشخصات فردی جامعه نمونه

شرح (واحد: درصد)								مولفه
۲۰,۶	ابتدایی و راهنمایی	تحصیلات	15.7	خانه‌دار	شغل	74.7	مرد	جنسیت
۳۸,۶	دبیرستان و دیپلم		23.7	کارمند		25.3	زن	
۸,۵	کاردانی		16.9	آزاد		22.2	۱۵ - ۳۰	سن
۲۷,۵	کارشناسی		31.4	کشاورز		52.9	۳۱ - ۴۵	
۴,۳	ارشد و بالاتر		8.7	دامدار		19.8	۴۶ - ۶۰	
۰,۵۰	سایر		3.7	سایر		3.7	+۶۰	

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۰

یافته‌های تحقیق درخصوص نوع شغل معتمدین محلی، دهیاران و اعضای شورای اسلامی روستا در جدول ۳ نشان داده شده است. نتایج تحقیق گویای آن است که در بین مشاغل معتمدین محلی، بیشترین فراوانی مربوط به شغل کشاورزی و کمترین فراوانی نیز مربوط به افراد بازنشسته بوده و ۳,۷ درصد (۱۶ نفر) از پاسخگویان، در این گروه قرار گرفته‌اند.

درخصوص شغل اصلی دهیاران نیز نتایج تحقیق گویای آن است که بیشترین فراوانی مربوط به شغل آزاد بوده است و ۲۷,۵ درصد (۱۱ نفر) از دهیاران در این شغل بوده‌اند. کمترین فراوانی هم مربوط به شغل خانه‌دار بوده که ۲,۵ درصد (۱ نفر) از پاسخگویان (دهیار زن)، در این گروه قرار گرفته‌اند.

درخصوص شغل اصلی اعضای شورای اسلامی روستا نیز نتایج تحقیق گویای آن است که بیشترین فراوانی مربوط به شغل کشاورزی بوده است و ۳۷,۵ درصد (۱۸ نفر) از اعضای شورا در این شغل بوده‌اند. کمترین فراوانی هم مربوط به شغل خانه‌دار بوده که ۲ درصد (۱ نفر) از پاسخگویان (عضو زن شورا)، در این گروه قرار گرفته‌اند.

جدول ۳. توزیع فراوانی و نسبی معتمدین محلی براساس نوع شغل

نوع شغل	معتمدین محلی		دهیاران		اعضای شورا	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
کشاورز	۱۳۴	۳۱,۴	۹	۲۲,۵	۱۸	۳۷,۵
دامدار	۳۷	۸,۷	۳	۷,۵	۱۱	۲۲,۹
کارمند	۱۰۱	۲۳,۷	۵	۱۲,۵	۶	۱۲,۵
آزاد	۷۲	۱۶,۹	۱۱	۲۷,۵	۷	۱۴,۶
خانه‌دار	۶۷	۱۵,۷	۱	۲,۵	۱	۲
بازنشسته	۱۶	۳,۷	۰	۰	۵	۱۰,۵
کل	۴۲۷	۱۰۰,۰	۴۰	۱۰۰	۴۸	۱۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۰

از لحاظ میانگین درآمد و هزینه خانوار، یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که خانوارهای مورد مطالعه به طور میانگین، ماهیانه حدود ۴,۹ میلیون تومان درآمد و حدود ۴,۵ میلیون تومان هزینه داشته‌اند. کمترین میزان درآمد مربوط به دامنه درآمدی بالای ۱۲ میلیون تومان در ماه و بیشترین آن مربوط به دامنه درآمدی ۳,۱ تا ۶ میلیون تومان بوده است که ۵۷,۳ درصد (۲۲۴ نفر) از کل معتمدین محلی مورد تحقیق در این دامنه قرار گرفته‌اند. در مجموع تعداد ۳۶ نفر (۸,۴ درصد) از کل پاسخگویان نیز حاضر به پاسخگویی این سوال نشده‌اند.

جدول ۴. توزیع فراوانی و نسبی معتمدین محلی براساس میانگین درآمد ماهیانه (واحد: میلیون تومان)

دامنه درآمدی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
۱ تا ۳	۸۸	۲۲,۵	۲۲,۵
۳,۱ تا ۶	۲۲۴	۵۷,۳	۷۹,۸
۶,۱ تا ۹	۵۸	۱۴,۸	۹۴,۶
۹,۱ تا ۱۲	۱۴	۳,۶	۹۸,۲
بیش از ۱۲	۷	۱,۸	۱۰۰,۰
کل	۳۹۱	۱۰۰	
بی پاسخ	۳۶	۸,۴	

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۰

درخصوص میزان هزینه ماهیانه خانوارهای مورد مطالعه نیز نتایج تحقیق گویای آن است که کمترین میزان فراوانی مربوط به دامنه هزینه‌ای بالای ۱۲ میلیون تومان در ماه بوده که صرفاً یک نفر (۲ دهم درصد) از پاسخگویان، در این دامنه هزینه‌ای قرار داشته‌اند و بیشترین میزان فراوانی هم مربوط به دامنه هزینه‌ای ۳,۱ تا ۶ میلیون تومان بوده است که ۵۷,۱ درصد (۲۳۳ نفر) از کل معتمدین محلی مورد مطالعه در این دامنه قرار گرفته‌اند. در مجموع تعداد ۱۹ نفر (۴,۴ درصد) از پاسخگویان نیز حاضر به پاسخگویی این سوال نشده‌اند.

جدول ۵. توزیع فراوانی و نسبی معتمدین محلی براساس میانگین هزینه ماهیانه خانوار (واحد: میلیون تومان)

دامنه هزینه‌ای	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
۱ تا ۳	۱۰۹	۲۶,۷	۲۶,۷
۳,۱ تا ۶	۲۳۳	۵۷,۱	۸۳,۸
۶,۱ تا ۹	۲۹	۷,۱	۹۰,۹
۹,۱ تا ۱۲	۳۶	۸,۸	۹۹,۸
بیش از ۱۲	۱	۰,۲	۱۰۰
کل	۴۰۸	۱۰۰,۰	
بی پاسخ	۱۹	۴,۴	

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۰

در جدول ۶ وضعیت اعتبارات و بودجه دهیاری‌های مورد مطالعه نشان داده شده است. نتایج تحقیق گویای آن است که به طور میانگین هر یک از روستاهای مورد مطالعه ۲۷۹ میلیون تومان بودجه تحقق یافته در سال ۱۳۹۹ داشته‌اند. به طور میانگین هر دهیاری حدود ۳۲ میلیون تومان درآمد محلی داشته و

سهم هزینه‌های جاری دهیاری‌های مورد مطالعه نیز صرفاً ۱۵ درصد از کل بودجه آنها بوده است. هرچند که براساس آیین‌نامه مالی دهیاری‌ها این رقم می‌تواند تا ۴۰ درصد نیز باشد.

جدول ۶. وضعیت اعتبارات و بودجه دهیاری‌های مورد مطالعه در سال ۱۳۹۹ (واحد: تومان)

عنوان فراوانی	بودجه تحقق یافته	مجموع درآمد محلی	مجموع هزینه جاری	درصد هزینه جاری	مجموع هزینه عمرانی	درصد هزینه عمرانی
میانگین	۲۷۹۰۰۰۰۰	۳۲۰۷۵۰۰۰	۴۲۰۰۰۰۰۰	۱۵	۲۳۷۰۰۰۰۰۰	۸۵

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۰

یافته‌های تحلیلی

پس از چند دهه بلا تکلیفی مدیریت روستایی در کشور، شکل‌گیری نهاد دهیاری به عنوان بازوی اجرایی شورای اسلامی روستا، تجربه جدیدی است که حدود دو دهه از آن گذشته است. در حال حاضر نهاد دهیاری تولی‌گری ارایه خدمات عمومی در بیش از ۳۷ هزار روستای کشور را عهده‌دار است. برای بررسی عوامل مؤثر بر بازآرایی الگوی مدیریت روستایی، عوامل بر اساس مبانی نظری و پیشینه تحقیق مورد بررسی قرار گرفت و نتایج در اختیار خبرگان قرار گرفت. عوامل در ۵ بعد شامل؛ ۱- ساختاری نهادی، ۲- انسانی، ۳- اجتماعی فرهنگی، ۴- اقتصادی و ۵- محیطی کالبدی طبقه بندی شد که نتایج در بخش‌های بعدی تجزیه و تحلیل می‌شود. به منظور ارزیابی هریک از ابعاد پنج‌گانه موصوف و مولفه‌های مرتبط با آنها، ابتدا گویه‌ها هم جهت شد و شاخص کلی محاسبه شد و نتایج با آزمون t تک نمونه مورد ارزیابی قرار گرفت.



شکل ۵. عوامل مؤثر بر بازآرایی الگوی مدیریت روستایی؛ مولفه‌ها و ابعاد

بعد ساختاری- نهادی

بعد ساختاری نهادی، مشتمل بر دو مولفه ساختار مدیریت روستا و پشتیبانی نهادی بوده و هر یک از مولفه‌های موصوف نیز مشتمل بر گویه‌هایی برای سنجش بوده‌اند.

مولفه ساختار مدیریت روستا: براساس نتایج تحقیق، میانگین این مولفه برابر ۳,۵۲ می‌باشد و اختلاف بین میانگین مولفه با مقدار مفروض (۳,۱) برابر ۰,۴۲۵ می‌باشد و مقدار آزمون t برابر ۳,۶۰۳ می‌باشد که از نظر آماری با دقت بالاتر از ۹۹ درصد ($\text{sig}=0.001$) معنی‌دار می‌باشد. براین اساس می‌توان گفت براساس نظر جامعه آماری، مولفه ساختار مدیریت محلی در الگوی بهینه مدیریت محلی اثر گذار است.

مولفه پشتیبانی نهادی: براساس نتایج تحقیق، میانگین این مولفه برابر ۳,۷۷ می‌باشد و اختلاف بین میانگین مولفه با مقدار مفروض (۳,۱) برابر ۰,۶۶۶ می‌باشد و مقدار آزمون t برابر ۳,۶۰۱ می‌باشد که از نظر آماری با دقت بالاتر از ۹۹ درصد ($\text{sig}=0.001$) معنی‌دار می‌باشد. براین اساس می‌توان گفت براساس نظر جامعه آماری، مولفه پشتیبانی نهادی در الگوی بهینه مدیریت محلی اثر گذار است.

در مجموع، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که میانگین بعد ساختاری نهادی برابر ۳,۶۵ می‌باشد و اختلاف بین میانگین این بعد با مقدار مفروض (۳,۱) برابر ۰,۵۴۶ است و مقدار آزمون t برابر ۳,۶۰۱ بوده که از نظر آماری با دقت بالاتر از ۹۹ درصد ($\text{sig}=0.00$) معنی‌دار است. براین اساس می‌توان گفت براساس نظر جامعه آماری، بعد ساختاری نهادی در الگوی بهینه مدیریت محلی اثر گذار می‌باشد.

جدول ۷. نتایج توصیفی بعد ساختاری- نهادی و مولفه‌های مربوطه

بعد و مولفه‌ها	میانگین	انحراف معیار	اشتباه انحراف معیار
ساختار مدیریت روستا	3.5250	.64611	.11796
پشتیبانی نهادی	3.7667	1.01389	.18511
کل (بعد ساختاری- نهادی)	3.6458	.58182	.10622

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۰

جدول ۸. نتایج آزمون t تک‌نمونه‌ای بعد ساختاری- نهادی و مولفه‌های مربوطه

مقدار مفروض = ۳,۱					مولفه / بعد
۹۵ درصد اطمینان		اختلاف میانگین	سطح معنی داری	t	
پایین تر	بالاتر				
.6663	.1837	.42500	.001	3.603	ساختار مدیریت روستا
1.0453	.2881	.66667	.001	3.601	پشتیبانی نهادی
.7631	.3286	.54583	.000	5.138	کل (بعد ساختاری- نهادی)

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۰

بعد انسانی

بعد انسانی، مشتمل بر دو مولفه‌ی؛ توانمندی فردی و وضعیت نیروی انسانی دهیاری بوده و هر یک از مولفه‌های موصوف نیز مشتمل بر گویه‌هایی برای سنجش بوده‌اند.

مولفه توانمندی فردی: براساس نتایج تحقیق، میانگین این مولفه برابر ۳,۵۶ می‌باشد و اختلاف بین میانگین مولفه با مقدار مفروض (۳,۱) برابر ۰,۴۶ است و مقدار آزمون t برابر ۳,۷۰۸ است که از نظر آماری با دقت بالاتر از ۹۹ درصد ($\text{sig}=0.001$) معنی‌دار هست. براین اساس می‌توان گفت براساس نظر جامعه آماری، مولفه توانمندی فردی در الگوی بهینه مدیریت محلی اثر گذار است.

مولفه نیروی انسانی دهیاری: براساس نتایج تحقیق، میانگین این مولفه برابر ۳,۴۳ می‌باشد و اختلاف بین میانگین مولفه با مقدار مفروض (۳,۱) برابر ۰,۶۶۶ می‌باشد و مقدار آزمون t برابر ۱,۲۸۴ می‌باشد که از نظر آماری معنی‌دار نیست ($\text{sig}=0.209$). براین اساس می‌توان گفت براساس نظر جامعه آماری، مولفه نیروی انسانی دهیاری در الگوی بهینه مدیریت محلی اثر گذار نیست.

در مجموع، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که میانگین بعد انسانی برابر ۳,۶۵ می‌باشد و اختلاف بین میانگین این بعد با مقدار مفروض (۳,۱) برابر ۰,۳۲۷ است و مقدار آزمون t برابر ۲,۸۳۲ بوده که از نظر آماری با دقت بالاتر از ۹۹ درصد ($\text{sig}=0.008$) معنی‌دار هست. براین اساس می‌توان گفت براساس نظر جامعه آماری، بعد انسانی در الگوی بهینه مدیریت محلی اثر گذار است.

جدول ۹. نتایج توصیفی بعد انسانی و مولفه‌های مربوطه

بعد و مولفه‌ها	میانگین	انحراف معیار	اشتباه انحراف معیار
توانمندی فردی	3.5600	.67955	.12407
نیروی انسانی دهیاری	3.2933	.82501	.15063
کل (بعد انسانی)	3.4267	.63187	.11536

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۰

جدول ۱۰. نتایج آزمون t تک‌نمونه‌ای بعد انسانی و مولفه‌های مربوطه

مقدار مفروض = ۳,۱					مولفه / بعد
۹۵ درصد اطمینان		اختلاف میانگین	سطح معنی داری	t	
پایین تر	بالاتر				
.2063	.7137	.46000	.001	3.708	توانمندی فردی
-.1147	.5014	.19333	.209	1.284	نیروی انسانی دهیاری
.0907	.5626	.32667	.008	2.832	بعد انسانی

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۰

بعد اجتماعی فرهنگی

بعد اجتماعی فرهنگی، مشتمل بر دو مولفه‌ی؛ تعاملات و هم‌افزایی و ویژگی شهروندان بوده و هر یک از مولفه‌های موصوف نیز مشتمل بر گویه‌هایی برای سنجش بوده‌اند.

مولفه تعاملات و هم‌افزایی: براساس نتایج تحقیق، میانگین این مولفه برابر ۷۷.۳ می‌باشد و اختلاف بین میانگین مولفه با مقدار مفروض (۳،۱) برابر ۰،۶۷ است و مقدار آزمون t برابر ۳،۶۸۶ است که از نظر آماری با دقت بالاتر از ۹۹ درصد ($\text{sig}=0.001$) معنی‌دار هست. براین اساس می‌توان گفت براساس نظر جامعه آماری، مولفه تعاملات و هم‌افزایی در الگوی بهینه مدیریت محلی اثر گذار است.

مولفه ویژگی شهروندان: براساس نتایج تحقیق، میانگین این مولفه برابر ۳،۵۱ می‌باشد و اختلاف بین میانگین مولفه با مقدار مفروض (۳،۱) برابر ۰،۴۱۵ می‌باشد و مقدار آزمون t برابر ۳،۴۸۹ می‌باشد که از نظر آماری با دقت بالاتر از ۹۹ درصد ($\text{sig}=0.002$) معنی‌دار هست. براین اساس می‌توان گفت براساس نظر جامعه آماری، مولفه ویژگی شهروندان در الگوی بهینه مدیریت محلی اثر گذار است.

در مجموع، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که میانگین بعد اجتماعی فرهنگی برابر ۳،۶۴ می‌باشد و اختلاف بین میانگین این بعد با مقدار مفروض (۳،۱) برابر ۰،۵۴۳ است و مقدار آزمون t برابر ۳،۷۷۸ بوده که از نظر آماری با دقت بالاتر از ۹۹ درصد ($\text{sig}=0.001$) معنی‌دار هست. براین اساس می‌توان گفت براساس نظر جامعه آماری، بعد اجتماعی فرهنگی در الگوی بهینه مدیریت محلی اثر گذار است.

جدول ۱۱. نتایج توصیفی بعد اجتماعی فرهنگی و مولفه‌های مربوطه

بعد و مولفه‌ها	میانگین	انحراف معیار	اشتباه انحراف معیار
تعاملات و هم‌افزایی	3.7708	.99681	.18199
ویژگی شهروندان	3.5152	.65178	.11900
کل (بعد اجتماعی فرهنگی)	3.6430	.78729	.14374

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۰

جدول ۱۲. نتایج آزمون t تک‌نمونه‌ای بعد اجتماعی فرهنگی و مولفه‌های مربوطه

مقدار مفروض = ۳,۱					مولفه / بعد
۹۵ درصد اطمینان		اختلاف میانگین	سطح معنی‌داری	T	
پایین تر	بالا تر				
1.0430	.2986	.67083	.001	3.686	تعاملات و هم‌افزایی
.6585	.1718	.41515	.002	3.489	مولفه ویژگی شهروندان
.8370	.2490	.54299	.001	3.778	کل (بعد اجتماعی فرهنگی)

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۰

بعد اقتصادی

بعد اقتصادی، مشتمل بر دو مولفه‌ی؛ بنیه اقتصادی دهیاری و بنیه اقتصادی روستا و اهالی بوده و هر یک از مولفه‌های موصوف نیز مشتمل بر گویه‌هایی برای سنجش بوده‌اند.

مولفه بنیه اقتصادی دهیاری: این مولفه با استفاده از ۸ گویه مورد بررسی قرار گرفت. نظرات خبرگان در خصوص تاثیر این گویه‌ها در طراحی الگوی مدیریت روستایی در جدول ۱۳ درج شده است.

نتایج مربوط به میانگین و نیز آزمون کای اسکور نشان می‌دهد به جز گویه «سرانه بودجه تحقق یافته دهیاری در سال قبل» تمامی گویه‌ها از نظر آماری معنی‌دار و از دیدگاه خبرگان محلی دارای اهمیت هستند.

جدول ۱۳. نتایج توصیفی و آزمون کای اسکور مولفه بنیه اقتصادی دهیاری به تفکیک گویه‌ها

sig	خی ۲	میانگین	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	گویه‌ها	
0.061	9.000 ^a	3.7000	۱۰	۱۰	۴	۳	۳	فراوانی	سرانه بودجه تحقق یافته دهیاری
			۳۳,۳	۳۳,۳	۱۳,۳	۱۰,۰	۱۰,۰	درصد	در سال قبل
0.001	19.000 ^a	3.8667	۱۳	۱۰	۰	۴	۳	فراوانی	سرانه درآمد محلی دهیاری در سال قبل
			۴۳,۳	۳۳,۳	۰,۰	۱۳,۳	۱۰,۰	درصد	
0.001	19.333 ^a	3.7667	۹	۱۴	۱	۳	۳	فراوانی	میزان اعتبار متمرکز (غیر محلی)
			۳۰,۰	۴۶,۷	۳,۳	۱۰,۰	۱۰,۰	درصد	دهیاری در سال قبل
0.000	21.333 ^a	3.5333	۷	۵	۱۵	۳	۰	فراوانی	نسبت بودجه جاری به بودجه عمرانی
			۲۳,۳	۱۶,۷	۵۰,۰	۱۰,۰	۰,۰	درصد	
0.000	22.333 ^a	3.4333	۳	۱۰	۱۴	۳	۰	فراوانی	تعداد ماشین‌آلات عمرانی دهیاری
			۱۰,۰	۳۳,۳	۴۶,۷	۱۰,۰	۰,۰	درصد	
0.005	15.000 ^a	3.4000	۳	۱۲	۹	۶	۰	فراوانی	تعداد ماشین‌آلات خدماتی دهیاری
			۱۰,۰	۴۰,۰	۳۰,۰	۲۰,۰	۰,۰	درصد	
0.001	18.333 ^a	3.5333	۶	۷	۱۴	۳	۰	فراوانی	تملك اراضی و املاک مورد نیاز
			۲۰,۰	۲۳,۳	۴۶,۷	۱۰,۰	۰,۰	درصد	اجرای توسعه و عمران روستایی
0.003	16.000 ^a	3.4000	۳	۱۳	۷	۷	۰	فراوانی	عضویت در شرکت تعاونی دهیاری
			۱۰,۰	۴۳,۳	۲۳,۳	۲۳,۳	۰,۰	درصد	ها

منبع: یافته‌های تحقیق - (پیوست شماره ۴) سال ۱۴۰۰

در مجموع براساس نتایج تحقیق، میانگین این مولفه برابر ۳,۵۸ و اختلاف بین میانگین مولفه با مقدار مفروض (۳,۱) برابر ۰,۴۷۹ است و مقدار آزمون t نیز برابر ۲,۸۸ است که از نظر آماری با دقت بالاتر از ۹۹ درصد ($\text{sig}=0.007$) معنی‌دار هست. براین اساس می‌توان گفت براساس نظر جامعه آماری، مولفه بنیه اقتصادی دهیاری در الگوی بهینه مدیریت محلی اثر گذار است.

مولفه بنیه اقتصادی روستا و اهالی: این مولفه با استفاده از ۴ گویه مورد بررسی قرار گرفت. نظرات خبرگان درخصوص تاثیر این گویه‌ها در طراحی الگوی مدیریت روستایی در جدول ۱۴ درج شده است. نتایج مربوط به میانگین و نیز آزمون کای اسکور نشان می‌دهد به جز گویه‌های «سطح درآمد روستاییان» و «میزان مشارکت مردم در تامین هزینه خدمات» سایر گویه‌ها از نظر آماری معنی‌دار و از دیدگاه خبرگان محلی دارای اهمیت هستند.

جدول ۱۴. نتایج توصیفی و آزمون کای اسکوئر مولفه بنیه اقتصادی روستا و اهالی به تفکیک گویه‌ها

گویه‌ها	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	خی ۲	sig
سطح درآمد روستاییان	فرآوانی	۳	۴	۸	۵	۱۰	5.667 ^a	0.225
	درصد	۱۰,۰	۱۳,۳	۲۶,۷	۱۶,۷	۳۳,۳		
عضویت مردم در شرکت تعاونی یا تشکلهای اقتصادی محلی	فرآوانی	۳	۰	۹	۱۴	۴	20.333 ^a	0.000
	درصد	۱۰,۰	۰,۰	۳۰,۰	۴۶,۷	۱۳,۳		
میزان مشارکت مردم در تامین هزینه خدمات	فرآوانی	۳	۳	۷	۵	۱۲	9.333 ^a	0.053
	درصد	۱۰,۰	۱۰,۰	۲۳,۳	۱۶,۷	۴۰,۰		
تناسب بهای خدمات با کمیت و کیفیت آن	فرآوانی	۳	۱	۱۲	۱۱	۳	17.333 ^a	0.002
	درصد	۱۰,۰	۳,۳	۴۰,۰	۳۶,۷	۱۰,۰	3.3333	

منبع: یافته‌های تحقیق - (پیوست شماره ۴) سال ۱۴۰۰

در مجموع براساس نتایج تحقیق، میانگین این مولفه برابر ۳,۵۱ می‌باشد و اختلاف بین میانگین مولفه با مقدار مفروض (۳,۱) برابر ۰,۴۰۸ می‌باشد و مقدار آزمون t برابر ۲,۰۲ می‌باشد که از نظر آماری معنی‌دار نیست ($\text{sig}=0.053$). براین اساس می‌توان گفت براساس نظر جامعه آماری، مولفه اقتصادی روستا و اهالی در الگوی بهینه مدیریت محلی اثر گذار نیست.

در مجموع، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که میانگین بعد اقتصادی برابر ۳,۵۴ می‌باشد و اختلاف بین میانگین این بعد با مقدار مفروض (۳,۱) برابر ۰,۴۴۳ است و مقدار آزمون t برابر ۴۸۴,۲ بوده که از نظر آماری معنی‌دار نیست ($\text{sig}=0.19$). براین اساس می‌توان گفت براساس نظر جامعه آماری، بعد اقتصادی در الگوی بهینه مدیریت محلی اثر گذار نیست.

جدول ۱۵. نتایج توصیفی بعد اقتصادی و مولفه‌های مربوطه

بعد و مولفه‌ها	میانگین	انحراف معیار	اشتباه انحراف معیار
بنیه اقتصادی دهیاری	3.5792	.91119	.16636
بنیه اقتصادی روستا و اهالی	3.5083	1.10735	.20217
کل (بعد اقتصادی)	3.5438	.97837	.17862

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۰

جدول ۱۶. نتایج آزمون t تک‌نمونه‌ای بعد اقتصادی و مولفه‌های مربوطه

مقدار مفروض = ۳,۱					مولفه/بعد
۹۵ درصد اطمینان		اختلاف میانگین	سطح معنی داری	T	
بالا تر	پایین تر				
.8194	.1389	.47917	.007	2.880	بنیه اقتصادی دهیاری
.8218	-.0052	.40833	.053	2.020	بنیه اقتصادی روستا و اهالی
.8091	.0784	.44375	.019	2.484	کل (بعد اقتصادی)

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۰

بعد محیطی کالبدی

بعد محیطی کالبدی، مشتمل بر سه مولفه‌ی؛ مکانی- فضایی، دسترسی و حوزه نفوذ، تامین زیرساخت‌ها بوده و هر یک از مولفه‌های موصوف نیز مشتمل بر گویه‌هایی برای سنجش بوده‌اند.

مولفه مکانی- فضایی: براساس نتایج تحقیق، میانگین این مولفه برابر ۳,۳۵ می‌باشد و اختلاف بین میانگین مولفه با مقدار مفروض (۳,۱) برابر ۰,۲۵ است و مقدار آزمون t برابر ۲,۸۸ است که از نظر آماری معنی‌دار نیست ($\text{sig}=0.126$). براین اساس می‌توان گفت براساس نظر جامعه آماری، مولفه مکانی- فضایی در الگوی بهینه مدیریت محلی اثرگذار نیست.

مولفه دسترسی و حوزه نفوذ: براساس نتایج تحقیق، میانگین این مولفه برابر ۳,۶۱ می‌باشد و اختلاف بین میانگین مولفه با مقدار مفروض (۳,۱) برابر ۰,۵۰۸ می‌باشد و مقدار آزمون t برابر ۳,۲۱۵ و از نظر آماری با دقت بالاتر از ۹۹ درصد ($\text{sig}=0.003$) معنی‌دار هست. براین اساس می‌توان گفت براساس نظر جامعه آماری، مولفه دسترسی و حوزه نفوذ در الگوی بهینه مدیریت محلی اثرگذار است.

مولفه تامین زیرساخت‌ها: یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که میانگین این مولفه برابر ۳,۷۶ می‌باشد و اختلاف بین میانگین مولفه با مقدار مفروض (۳,۱) برابر ۰,۶۵۸ است و مقدار آزمون t برابر ۳,۸۵ بوده و از نظر آماری با دقت بالاتر از ۹۹ درصد ($\text{sig}=0.001$) معنی‌دار هست. براین اساس می‌توان گفت براساس نظر جامعه آماری، مولفه تامین زیرساخت‌ها در الگوی بهینه مدیریت محلی اثرگذار است.

در مجموع براساس یافته‌های تحقیق میانگین بعد محیطی کالبدی برابر ۲,۶۸ می‌باشد و اختلاف بین میانگین این بعد با مقدار مفروض (۳,۱) برابر ۰,۴۲- است و مقدار آزمون t برابر ۳,۸۲۶- بوده و از نظر آماری با دقت بالاتر از ۹۹ درصد ($\text{sig}=0.001$) معنی‌دار هست. براین اساس می‌توان گفت براساس نظر جامعه آماری، بعد محیطی کالبدی در الگوی بهینه مدیریت محلی اثرگذار است.

جدول ۱۷. نتایج توصیفی بعد محیطی کالبدی و مولفه‌های مربوطه

بعد و مولفه‌ها	میانگین	انحراف معیار	اشتباه انحراف معیار
مولفه مکانی- فضایی	3.3500	.86891	.15864
مولفه دسترسی و حوزه نفوذ	3.6083	.86607	.15812
مولفه تامین زیرساخت‌ها	3.7583	.93653	.17099
کل (بعد محیطی کالبدی)	3.6792	.60247	.11000

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۰

جدول ۱۸. نتایج آزمون t تک نمونه‌ای بعد محیطی کالبدی و مولفه‌های مربوطه

مقدار مفروض = ۳,۱					مولفه/بعد
۹۵ درصد اطمینان		اختلاف میانگین	سطح معنی داری	t	
بالا تر	پایین تر				
.5745	-.0745	.25000	.126	1.576	مولفه مکانی- فضایی
.8317	.1849	.50833	.003	3.215	مولفه دسترسی و حوزه نفوذ
1.0080	.3086	.65833	.001	3.850	مولفه تامین زیرساخت‌ها
-.1959	-.6458	-.42083	.001	- 3.826	کل (بعد محیطی کالبدی)

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۰

به طور کلی براساس یافته‌های تحقیق به ترتیب ابعاد محیطی-کالبدی (با میانگین ۳,۶۸)، ساختاری نهادی (با میانگین ۳,۶۵) اجتماعی- فرهنگی (با میانگین ۳,۶۴)، اقتصادی (با میانگین ۳,۵۴) و انسانی (با میانگین ۳,۴۳)، بیشترین نقش را در الگوی مدیریت خدمات روستایی ایفا می‌کنند.

الگوی مدیریت خدمات روستایی که بومی شده و مبتنی بر پژوهش میدانی تحقیق است، بصورت سیستماتیک و در یک نظم بهم پیوسته طراحی و با یک پیش فرض یا سوال مبنی بر این که الگوی فضایی مطلوب برای ارایه خدمت مدیریت روستایی چیست، آغاز می‌شود. با عنایت به این سوال، ورودی سیستم را مفاهیم راهبردی مرتبط با رویکرد شبکه‌ای و فضایی تشکیل می‌دهد، سپس، به تناسب مفاهیم راهبردی بکار رفته در این تحقیق، مهم‌ترین فعالیت‌های محقق برای تبیین مفاهیم راهبردی، مطالعه منابع و متون داخلی و خارجی و بررسی تجربیات سایر کشورها و در نهایت تدوین چارچوب نظری تحقیق، شاخص سازی و گویه سازی متناسب با شاخص‌ها، بررسی رویکردهای تبیین کننده مفاهیم، تدوین پرسشنامه و تکمیل آن و سایر مراحل که در روش شناسی به آن نیاز است، بوده است. ماحصل و خروجی این فعالیت‌ها، پیاده‌سازی و اجرای عملیاتی روندها و فعالیت‌ها در جامعه نمونه بوده که به بومی کردن شاخص‌ها، بومی شدن الگوی مورد نظر، ارتقای کارایی و اثربخشی مدیریت روستایی، کاهش هزینه‌ها، پوشش حداکثری خدمات، افزایش رضایت ذی‌نفعان، تقویت تعلقات مکانی و . . . در جامعه مورد پژوهش می‌انجامد، پیامد چنین خروجی، نهادینه شدن الگوی مدیریت روستایی، رعایت اصل صرفه و صلاح در نحوه ارایه خدمات روستایی، افزایش کیفیت زندگی ساکنین مناطق روستایی و به تبع آن پایداری جمعیت در سکونتگاه‌های روستایی، شفافیت عملکرد، مسئولیت‌پذیری و پاسخگوشدن مدیریت محلی و به تبع آن افزایش روند اعتمادپذیری خواهد بود. چنین پیامدی، نهادینه شدن مدیریت روستایی را به دنبال داشته و در تعامل با محیط بیرونی نیز به تحقق توسعه پایدار روستایی آن کمک می‌کند.

۵) نتیجه‌گیری

بی‌شک پایداری جمعیت در سکونتگاه‌های روستایی وابسته به عوامل متعددی از جمله کمیت و کیفیت ارایه خدمات مورد انتظار روستاییان و میزان رضایتمندی از این خدمات است. در سال‌های اخیر،

برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران توسعه روستایی کوشیده‌اند تا با شکل‌گیری و استقرار نهاد شورا و به تبع آن نهاد دهیاری به عنوان متولی ارایه خدمات عمومی در مناطق روستایی کشور، بتوانند ضمن پاسداشت حقوق شهروندی روستاییان، کیفیت زندگی در مناطق روستایی را ارتقا بخشیده و میل به ماندگاری جمعیت در این سکونتگاه‌ها را تقویت نمایند. اکنون که حدود دو دهه از شکل‌گیری نهاد دهیاری می‌گذرد، بازآرایی الگوی جاری مدیریت خدمات روستایی تا حدود زیادی می‌تواند میزان اثربخشی برنامه‌های توسعه و کارآمدی نهاد دهیاری را ارتقا بخشد. بر همین اساس در پژوهش حاضر، عوامل مؤثر بر ارتقای کارایی و اثربخشی الگوی جاری مدیریت روستایی در پنج بعد بررسی شد که این ابعاد براساس میزان اثرگذاری به ترتیب عبارتند از؛ ۱- محیطی کالبدی ۲- ساختاری نهادی، ۳- اجتماعی فرهنگی، ۴- اقتصادی و ۵- انسانی. در ادامه براساس نتایج تحقیق، پیشنهادهایی با هدف بازآرایی الگوی مدیریت خدمات روستایی ارایه شده است.

براساس نتایج تحقیق در بعد محیطی- کالبدی در راستای ارتقای مطلوبیت عملکرد مدیریت خدمات روستایی پیشنهاد می‌شود اقدامات و تمهیداتی همچون؛ تغییر رویکرد در نحوه ارایه خدمات مدیریت روستایی از رویکرد نقطه‌ای به پهنه‌ای (شبکه‌ای)، مد نظر داشتن پیوند فضایی سکونتگاه‌های شهری و روستایی در نظام خدمات‌رسانی و لزوم توجه به ویژگی‌های جغرافیایی هر دهستان، بخش، شهرستان یا منطقه در راستای پوشش حداکثری خدمات نهاد دهیاری مد نظر قرار گیرد.

در بعد ساختاری- نهادی نیز به منظور ارتقای مطلوبیت عملکرد مدیریت خدمات روستایی پیشنهاد می‌شود اقدامات و تمهیداتی همچون؛ اصلاح قوانین و مقررات جاری نهاد دهیاری در راستای رفع خلاها، تعارضات و موانع قانونی و حقوقی خدمات‌رسانی و متناسب‌سازی وظایف و اختیارات مدیریت روستایی، بسترسازی برای ایجاد سازمان‌های عمرانی و خدماتی مورد نیاز و مرتبط با وظایف قانونی مدیریت روستایی در سطوح دهستان، بخش یا شهرستان (بسته به شرایط)، افزایش ساعات کاری دهیار و تغییر نحوه فعالیت دهیار (پاره وقت یا تمام وقت) به منظور افزایش دسترسی اهالی به مدیریت روستا و بسترسازی قانونی برای امکان ارایه خدمات نهاد دهیاری به سکونتگاه‌های پیرامونی و فاقد دهیاری، مد نظر قرار گیرد.

در بعد اجتماعی- فرهنگی چنانچه به دنبال ارتقای مطلوبیت عملکرد مدیریت خدمات روستایی باشیم، پیشنهاد می‌شود اقدامات و تمهیداتی همچون؛ اهتمام مدیریت روستا در توزیع عادلانه خدمات، اتخاذ ساز و کارهای قانونی لازم برای الزام مدیریت روستا در پاسخگویی به اهالی و شفافیت عملکرد شورا و دهیاری، افزایش تعاملات دوسویه مدیریت روستا، دستگاه‌ها و نهادهای مرتبط و توجه ویژه مدیریت خدمات روستایی در توجه به اقشار آسیب‌پذیر روستا، مورد توجه باشد.

در بعد اقتصادی نیز به منظور ارتقای مطلوبیت عملکرد مدیریت خدمات روستایی پیشنهاد می‌شود اقدامات و تمهیداتی همچون؛ رعایت اصل صرفه و صلاح اقتصادی در توزیع امکانات و تجهیزات نهاد دهیاری (با توجه به عدم امکان تجهیز کلیه دهیاری‌ها به تمامی امکانات و تجهیزات مورد نیاز و عدم توجیه اقتصادی این موضوع)، لزوم کاهش هزینه ارایه خدمات و افزایش بهره‌وری منابع در مدیریت روستا

با اتخاذ راهکارهای اشتراکی و همجواری در ارائه خدمات و ایجاد سازمان‌های وابسته به نهاد دهیاری در سطح دهستان، بخش یا شهرستان (بسته به شرایط منطقه و نوع خدمات)، پیش‌بینی راهکارهای ایجاد منابع درآمدی پایدار و بسترسازی قانونی برای امکان ارائه خدمات اشتراکی به دهیاری‌های همجوار اتخاذ شود. همچنین اهتمام در برون‌سپاری و بهره‌گیری از ظرفیت بخش خصوصی و تعاونی در ارائه برخی از خدمات با اعمال نظارت و مدیریت نهاد مدیریت روستا می‌تواند در کاهش تصدی‌گری مدیریت روستایی، اقتصادی شدن خدمات و افزایش کارایی و اثربخشی، نقش موثری داشته باشد.

در بعد انسانی نیز چنانچه به دنبال ارتقای مطلوبیت عملکرد مدیریت خدمات روستایی باشیم، پیشنهاد می‌شود اقدامات و تمهیداتی همچون؛ اهتمام در آموزش و توانمندسازی اهالی در راستای افزایش تعاملات با مدیریت روستا، تقویت روحیه مشارکت، کاهش انتظارات از دولت، افزایش حس مسوولیت‌پذیری و امثالهم، ایجاد بسترهای لازم برای مشارکت مردم در فرآیند توسعه خدمات روستایی (اعم از تهیه، اجرا و پایش) از طریق تشکیل هیات‌های اندیشه‌ورز روستا، نظرسنجش از اهالی و امثالهم مد نظر قرار گیرد.

۶ منابع

- ازکیا، مصطفی، غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳)، بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهر کاشان، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۷، صص ۳-۳۱.
- برک‌پور، ناصر، اسدی ایرج (۱۳۸۷) نظریه‌های مدیریت و حکمروایی شهری. تهران؛ دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر.
- پورطاهری، مهدی، رکن‌الدین‌افتخاری، عبدالرضا، فتاحی، عبدالرضا (۱۳۹۰)، ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی نمونه موردی: دهستان خاوه شمالی استان لرستان، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۷۶.
- پیران پرویز (۱۳۸۱) تاثیر شبه مدرنیسم بر جنبش‌های اجتماعی در ایران، ماهنامه آفتاب، شماره شانزدهم.
- پیرو آلن (۱۳۶۶)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان
- تودارو، مایکل (۱۳۶۵) توسعه اقتصادی جهان سوم (جلد اول)، ترجمه عباس مخبر، تهران: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی
- توکلی، جعفر (۱۳۹۴)، ارزیابی کیفیت خدمات دهیاری‌ها با بهره‌گیری از مدل شکاف، مطالعه موردی: دهستان میان دربند شهرستان کرمانشاه، فصلنامه علمی- پژوهشی برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)، سال پنجم، شماره سوم، پیاپی ۱۸، پاییز، صص ۴۴-۲۵.
- جاوید محمدجواد، صادقی، محمد، شفیع زاده خولنجانی، مصطفی (۱۳۹۱) نسبت «تکالیف طبیعی» و «تکالیف شهروندی»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۵۹، صفحات ۸۳-۱۱۶.
- دربان آستانه، علیرضا، رضوانی، محمدرضا (۱۳۹۰) تبیین عوامل موثر بر حکمروایی روستایی در حکومت های محلی مطالعه موردی شهرستان قزوین، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲۸ پاییز و زمستان ۱۳۹۰.
- دربان آستانه، علیرضا (۱۳۹۴)، ارزیابی و تحلیل رضایت‌مندی روستاییان از خدمات سازمان‌های محلی استان ایلام، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال ۱۵، شماره ۳۶، صص ۵۰-۲۵.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۴)، فرهنگ لغت فارسی، حرف خ، انتشارات دانشگاه تهران.

- رستمی، شاه‌بختی، مظفری، فاطمه، رحیمی‌مقدم، جواد، ذوالفقاری، امیرعلی (۱۳۹۴)، ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها در توسعه روستایی (مطالعه موردی: دهیاری‌های شهرستان ایوان، استان ایلام)، مسکن و محیط روستایی، شماره ۱۴۹، بهار، صص ۱۱۹-۱۰۳.
- رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۳)، مقدمه‌ای برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، نشر قومس.
- رضوانی، محمدرضا، محمدی، سمیه، پیری، صدیقه (۱۳۹۲)، ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها با استفاده از مدل چارچوب عمومی ارزیابی (CAF) (مطالعه موردی: شهرستان دهلران)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۵، شماره ۱، بهار، صص ۲۱۶-۱۹۹.
- رفیع‌پور سعید (۱۳۹۲) دورنمای شهر، شهروند و مدیریت شهری در برنامه اجرایی شهرداری قاین با استفاده از مدل کارت ارزیابی متوازن (BSC)، نشریه اقتصاد و مدیریت شهری، شماره ۲، صفحات ۶۴-۵۱.
- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا (۱۳۶۹)، مدیریت توسعه روستایی (بنیان‌های نظری)؛ انتشارات سمت.
- سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور (۱۳۹۱)، تعیین الگوی مدیریت در آبادی‌های فاقد شورای اسلامی کشور. تهران: مرکز مطالعات مدیریت شهری و روستایی.
- سرور، رحیم (۱۳۸۷) برنامه‌ریزی کاربری اراضی در طرح‌های توسعه و عمران ناحیه‌ای، تهران؛ انتشارات پرهام.
- سنایی‌مقدم، سروش، گلزاری، حکمت‌الله، درخشان‌زاده، محمد (۱۳۹۵)، بررسی و تحلیل عملکرد دهیاران در توسعه روستایی (مطالعه موردی: دهیاری‌های دهستان پشته‌زیلایی شهرستان چرام، استان کهگیلویه و بویراحمد)، سومین همایش یافته‌های نوین در محیط‌زیست و اکوسیستم‌های کشاورزی، تهران، پژوهشکده انرژی‌های نو و محیط‌زیست دانشگاه تهران.
- سوادی‌علی‌اصغر و همکاران (۱۳۹۶) تبیین نظری اصول محتوایی و مؤلفه‌های مبنایی تدوین الگوی بومی (اسلامی-ایرانی) مدیریت: با تأکید بر مدیریت روستایی، فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا، شماره ۴
- عربیون، ابوالقاسم، پیران، محمد، میرزایی، ابراهیم، دهقان نجم‌آبادی، عامر (۱۳۹۱)، نوآوری سازمانی و بازآرایی سازمان: راهکارها و چالش‌های فراروی آنها، اولین همایش ملی مدیریت و کارآفرینی، خوانسار: ۲۷ و ۲۸ اردیبهشت.
- عنابستانی، علی‌اکبر، شایان، حمید، جلالیان، حمید، تقی‌لو، علی‌اکبر، خسروبیگی، رضا (۱۳۹۲)، تحلیل عوامل ساختاری مؤثر بر مشارکت روستاییان در توسعه نواحی روستایی مطالعه موردی: شهرستان ایجرود-استان زنجان، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، دوره ۱۲، شماره ۲۴، صص ۴۵-۲۵.
- عنابستانی، علی‌اکبر، شایان، حمید، خسروبیگی، رضا، تقی‌لو، علی‌اکبر، خدایی، یوسف (۱۳۹۲)، بررسی میزان رضایت‌مندی از کیفیت خدمات سازمان‌های متولی مدیریت محلی روستایی در شهرستان ایجرود (استان زنجان)، جغرافیا و آمایش شهری-منطقه‌ای، شماره ۷، صص ۷۰-۵۱.
- فتحی، سروش، مختارپور، مهدی (۱۳۹۰) توسعه شهری، شهرنشینی و حقوق شهروندی، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال سوم، شماره چهارم، صفحات ۱۰۵-۸۹.
- فرجی‌راد، عبدالرضا (۱۳۸۳)، اهمیت توجه به منطقه‌گرایی و نقش آن در توسعه کشور، مجله جغرافیای سرزمین، شماره ۳، صص ۳۳-۲۶.
- لونزویل ریچارد (۱۳۵۶) نظام خدمات عمومی و بررسی آن در کشورهای هندوراس، نیجریه، مکزیک، ترجمه: عباس منوریان، تهران: مرکز پژوهش‌های اداری و استخدامی کشور.

- مکانیکی، جواد، صادقی، حجت الله (۱۳۹۱) تعیین الگوی فضایی بهینه‌ی استقرار مراکز خدمات روستایی با رویکرد تناسب اراضی به روش AHP (مطالعه‌ی موردی: بخش دهدز، شهرستان ایذه)، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، شماره دوم، صفحات ۴۷-۶۹.
- میسرآ، آر. پی (۱۳۶۶)، **توسعه روستایی: مسایل و مشکلات**، گاهنامه روستا و توسعه، شماره اول، انتشارات مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی وزارت جهاد سازندگی.
- Akgual, D., 2012, **Measuring the Satisfaction of Citizens for the Services given by the Municipality: The Case of Kirşehir Municipality**, *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, Vol. 62, PP. 555-560.
- Badri, S. A. and Aref Mosavi, S., 2009, **Modern Rural Management: In Searching of a Policy for Local Management Development**, Eshtiaq-e Noor Publication, Tehran. (In Persian).
- Balogun, Julia. and Johnson, Gerry (2004). **Organizational restructuring and middle manager sensemaking**. *Academy of Management Journal*. Vol.47.No.4.PP.523 – 549.
- Bodin, O. and Prell, C, (2011). **Social network in natural resources management**. Cambridge University Press. 560p
- Del Bosque Rodríguez, I. R., Agudo, J. C., & Gutiérrez, H. S. M. (2006). **Determinants of economic and social satisfaction in manufacturer–distributor relationships**. *Industrial Marketing Management*, 35(6), 666-675.
- Farahani, H., Einali, J. and Abdoli, S., 2013, **Evaluation of the Role of Social Capital in Rural Area Development (Case study: Mashhad Maighan County in Arak Township)**, *Practical Geographical Research Quarterly*, Vol. 13, No. 29, PP. 27-50. (In Persian).
- Haji Sharif, M., 1992, **to Assess the Human Resources Management, Integrated Education**. Publishing Abyek Seman, Tehran.
- Hornby, A. S., 2000, **Oxford Advanced Learners Dictionary of Current English**, 6th Edition, Oxford University Press, Oxford.
- Rodríguez del Bosque Rodríguez, I., Collado Agudo1, J. and San Martín Gutiérrez1, H., 2006, **Determinants of Economic and Social Satisfaction in Manufacturer–Distributor Relationships**, *Industrial Marketing Management*, Vol. 35, No. 6, PP. 666-675.
- Roskrige, Matthew, Grimes, Arthur, McCann, Philip, Poot, Jacques (2013), **Home ownership, Social Capital and Satisfaction with Local Government**, *urban studies*, Volume: 50 issue: 12, page(s): 2517-2534.
- Rustinsyah, Rustinsyah (2019), **Determining the satisfaction level of water userassociation service quality for supporting sustainable rural developmentt**, *Development StudiesResearch*, 6:1, 118-128, DOI: 10.1080/21665095.2019.1629821.
- Shafieisabet, Naser, Doostisabzi, Behzad, Azharianfar, Shahryar (2017), **An Assessment of Villagers' Satisfaction with the Quality of Construction-Related Services Based on the SERVQUAL Model**, *Scientific Research*, DOI: 10.4236/cus.2017.51002, PP. 20-34.
- Sharma, M., (2004), **Local Government Rural and Urban**, Anmol Publications, New Delhi.
- Teece, David. J. (2007). **Explicating dynamic capabilities: the nature and microfoundations of Van Ryzin, Gregg G., Douglas Muzzio, Stephen Immerwahr, Lisa Gulick, and Eve Martinez, 2004, Drivers and Consequences of Citizen Satisfaction: An Application of the American Customer Satisfaction Index model to New York City**, *Public Administration Review* 64 (3), PP. 286-96.

- Walker, D.H. (2002), **Decision support, Learning and rural resource manegment**, Agricultural systems, 73 (1), PP. 113-127.
- Wenchang, Wang (2008), **rural management**, The Way Out for Tibetan Rural Areas, China tibetology Number (1), p: 1-94.
- Zahra, Shaker. A., Sapienza, Harry. J., & Davidsson, Per. (2006). **Entrepreneurship and dynamic capabilities:a review, model and research agenda**. Journal of Management studies, 43(4), 917-955. <https://doi.org/10.1111/j.1467-6486.2006.00616>.